

BP
١٩٤/١
١٥٢٢/١
ن ١٠
خاص

٩١٧٩

٩١٧٩
٥٠

كتاب
مَضَرِّ الْمُسْكِرَاتِ وَالشَّارِهَا مِنَ الْعُقُوبَاتِ
تأليف المحققين
سَيِّدِ طَاهِرِ الْكَآظِمِيْنَ الْأَصْدِقِ الْبُرْجَزِيِّ
الْمَوْلِدِ الْمَسْكُونِ



تمثال حضرة المصنف دامت فاضلته

کتاب
مَصْنَعُ الْمُسْكِرَاتِ وَالشَّارِهَا مِنَ الْعُقُوبَاتِ
تأليف الحَقِيقِ
سَيِّدِ طَاهِرِ الْكَاشِغِينِ الْأَصْدِقِ الْبُرْجُزِيِّ
المَوْلَى لِدَوْلِ الْمُسْكِرَاتِ
والاجز على رَاقِي جَلَّ جَلَالُهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي يامر بالعدل والاحسان وينهى عن الفحشاء والنكر
وصلى الله على محمد وآله الاطهر ولعنة الله على اعدائهم الا بشر
وبعد بعرض برادران کرام حفظهم الله من الزلل والاثام بمرسانه
که این عقبر **سید طاهر** کاظمینی الاصل و بروجردی المولد و لیکن
متنا بود که در خاطر م میگذشت که بقلم خود خدمتی که شمر شمر برای جامع
بوده باشد متحمل شوم تا این اوقات چنین بخاطر م رسید که بهترین خدمت
و مهم ترین قسمت در این زمان آنست که راجع بمواد الکلی و مسکرات فارسی
و داخل چیزی نوشته باشم که هم نتیجه دنیوی برای جامعه در آن باشد و
هم فائده اخروی اما نتیجه دنیوی آن حفظ بدن است از امراضیکه
از خوردن مسکرات عارض میگردد و اما فائده اخروی آن سلامت
از عذاب و رستن از عقابیکه برای خورنده مسکرات در شرع اسلام

بأن تخرج ونصیب من شده است و تمام این دو مرحله که یک آثار رسان
مسکرات است بدن و دیگری عذاب و عقاب آن باشد از روی اخبار
اهل بیت نبوت و روایات وارده از آل عصمت و طهارت نوشته شود
و از حسن این کتاب صغیر الحجم و کثیر الفائده یک آنست که برای اعتبار آن
ناخذ هر خبری در آن ذکر میگردد و الفاظ خبر هم اعراب میشود و دیگر
آنکه بعضی کلمات خبر که محتاج بیان است مستغلا و رذیل همان خبر
بیان میگردد و پس از آن ترجمه همان خبر بفارسی بسیار سهل
نوشته میشود تا آنکه فائده آن محسوس داشته باشد یعنی اشخاصیم
که سواد عربی ندارند بواسطه ترجمه خبر معنای را به سولت درک کرده
و بفضل الهی از آن منتفع گردند و بمقتضای این وعایه ایمان فوجیه
قضاء حق الاخوان حقیر نوشتن و در دست رس گذاشتن بمواد
اداء حق برادران دینی میکنم و بمقتضای امر خداوند تعالی که در قرآن
میفرماید وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (یعنی باید باشد جماعتی از شما
که بخوانند مردم را بسوی خوب و امر کنند بکارهای پسندیده و نهی کنند از
اعمال رشت و ناپسند و این جماعت که متحمل این کار میشوند ایشان رستگارند
پس بر سائر برادرانست از هر طبقه از طبقات که این اخبار یا ترجمه آنها را
بکوش مردم برسانند پس سزاوار است که فضلا عظام خصوصاً باطنین
و از باب منبر آید هم الله تعالی لتبلیغ احکامه این اخبار معتبره و این آثار منتخبه را

از اول تا آخر و او را بام عده در جماع مقتضیه مثل مجالس و مساجد
ابلاغ نمایند و پاداش آنرا از خدای تعالی مسئلت نمایند که از
انصار بن اله و خدمت گزاران بخلق اله مکتوب شوند و خود را شمول دعای
حضرت باقر نمایند **الحاصل** قال علیه السلام رحم الله عبداً احباً اقرنا
و ايضا **ارشاد** دلیلی در باب ۱۰ (اَوْحَى اللَّهُ إِلَىٰ دَاوُدَ اَنْتَ اِنْ تَافَتِ
بِعَبْدِي اِنِّي اَنْتَ فِي اللّٰوْحِ جَمِيلاً) یعنی ای داود بد رستیکه تو اگر
بر کرده ای بسوی من کسیرا که از فرمان من بیرون رفته بنویسم تو را در لوح
محفوظ صاحب حسن بگو و خلقاً و خلقاً یعنی معصیت کار برار از معصیتش
برگردان و هم چنین از سایر مؤمنین در هر نقطه از نقاط که مستند معتقین
که برای خوشنودی خدا و رسول در هر مجلسی که مهمان باشند و در هر جمعی
که مجتمع گردند در وقت مناسب این کتاب مختصر را در دست گرفته و بیازایک
کتابی را جمع بسکرات نوشته شده بینیم مضمون آن چیست مشغول خواندن
آن شوند بهر اندازه که وقت اجازه دهد و این کار را به یث خود قرار دهند برای
انجمن (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا أَكْهَلَى الْمُسْلِمَ إِلَّا خَيْرٌ هَدِيَّةٍ أَفْضَلَ
مِنْ كُلِّ مَتَاعٍ تَهْنِئَةٌ هَدَىٰ أَوْ تَوَدُّهُ عَنْ دِينِي) یعنی پیغمبر خدا فرمود
به تهنیه است مسلمانی برای برادر مسلمانش که بهتر باشد از کلامه که زیادت
بینای او را در دین و دهمب یا آنکه او را بر گرداند از بدی و کارهای زشت و ناپای
و ايضا خواندن این کتاب را در جلسات خود عوض صحبتهای مجلسی و تریبهای
خارجی قرار دهند و خود را در زمره نصرت دهنده کان شریعت خیر الانام داخل نمایند

و این مختصر را حقیر بر چهار فصل قرار داده ام **فصل اول** در آیاتیکه در
قرآن مجید راجع بخر و ارد شده **فصل دوم** در اخباریکه راجع بمضرات
و امراضیکه از خوردن شراب عارض خورنده میکرد **فصل سوم** در
اخباریکه راجع بحرمت خمر و عذاب و عقوبات اخروی آن وارد گردیده
و در این فصل است آیاتیکه در تواتر و انجیل فعلی راجع بمنع از خمر موجود است
فصل چهارم در کلمات دانشمندان معظم و پیر و ^{فلسوف} حکمای محترم که راجع بمضرات
مسکرات کشف کرده و فرموده اند **فصل اول** در آیاتیکه راجع بخر در
قرآن مجید وارد شده **آیه اول** بحسب نزول کما فی مرسله الکافی سورة
مبارکه **بقرة** آیه ۱۹۱ خطاب بمفرمایید پیغمبر اکرم (يَسْأَلُونَكَ
عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا
أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا) اولاد دانسته شود که خمر در لغت عرب هر چیز مستکنده
ماده آن هر چه باشد و اسم آنرا هر چه گذاشته باشند در المنجید که در لغت
عربست میگوید (الْخَمْرُ كُلُّ مُسْكِرٍ يُخَالِطُ الْعَقْلَ) یعنی خمر هر مست کننده
پوشاننده عقل است و در شرح قاموس میگوید (خمر چیزیست که مست کند)
و در مجمع البیان میفرماید (الْخَمْرُ كُلُّ شَرَابٍ مُسْكِرٍ يُخَالِطُ الْعَقْلَ) یعنی خمر هر آشامیدنی
فاسد کننده عقل است و هم چنین بکیر همه انواع قمار است بهر رنگ که بوده باشد
تجوه آیه مبارکه اینست (ای پیغمبر سوال میکنند تو را از حکم شراب و قمار بگو
در شراب و قمار گناه بزرگ میباشد و منافعیهم در آنها برای مردم است لکن
گناه آنها بزرگ تر است از نفع آنها **مؤلف گوید** مراد از منفعت خمر بولست که

در مقابل آن میگرداند لذت و نشاطی است که از خوردن آن میبرد و پس از
 قلیل زمانی زائل میگردد و مراد از منفعت قرار پولیست که شخصی بدون زحمت
 و رنج از رفیقش میبرد و آنرا جز مال خود میگرداند و جهت آنکه گناه آنها
 بزرگتر است از نفعشان آنستکه نفع آنها نفع دنیوی غیر مباح است و بزرگتر
 زائل میشود بعلو و آنرا این نفع در مقابل سخط و غضب الهی و عذاب اخروی بسیار
 قلیل و ناچیز است و در دنیا نیز شخصی را وادار میکند بهر زک و اراذل و جنایت
 کاری و چه بسیار موجب خطر و هلاک نفس خورنده بشود و بالاتر از همه
 آنکه عقل را که بایه الامتياز بین انسان و سایر حیوانات است از امتیاز بین خوب
 و بد فوج و حسن میبازد و در **تفسیر** روح البیان از این آیه الدنیا نفل میکند که
 گفته بر شخصی مستی که شمش که بول در مشت خود میگرد و مثل وضوء گیرنده بصورت
 میزد و میگفت الحمد لله الذی جعل الإسلام نوداً و الماء طهوراً و **حرام**
 بودن خمر از این آیه از لفظ اثم که میفرماید قل فیهما اثم کبیر معلوم و محقق
 میگردد چون اثم یعنی گناه در مرتکب شدن فعل حرام است (در ناموس
 میگوید اثم ما لا یجوز) یعنی اثم چیز نیست که حلال نیست (و در المنجد میگوید
 اثم ای فعل ما لا یجوز) گناه کرد یعنی بجا آورد چیزی که حلال نیست و **ایضا**
 حرمت آن بواسطه لفظ اثم که در آیه است از آیه دیگر معلوم میگردد که آن آیه
 چهارم است بحسب نزول در **باب** تحریم خمر کافیه مرسله الکاف و آن آیه اینست
 سورة اعراف آیه ۳۱ (قل انما حرم ذلک فی القواش ما ظهروا بانها باطن و الاثم)
 بفتح هم که مطیف بقواش است که مفعول حرم میباشد و **ترجمه** آیه اینست بگویند

البته جز این نیست که خدا حرام کرده هر گناه مجرب فوج شرعی را خواه آشکار باشد
 و خواه پنهان و حرام کرده اثم را **مؤلف گوید** که اثم در این آیه بمعنی نفس
 خمر است در قاموس گوید (الاثم بالکسر الذنب و الخمر و الفیما)
 و در مجمع البیان میفرماید (و قبل الاثم المنی) و انشد الاخفش یون النفا
 + شریک الاثم حتی ضل عقلی + کذا کف الاثم یکن هب بالعمول +

و شاعر یگوید شعرا عرب گفته

+ نمانا رسول الله ان تقرب لنا + و ان تقرب الایم الذی یوجب الینا +
 خدا بمعنی کلام به و فاش است و دانسته شود که خمر بعد از آنکه داخل است در عموم
 فواش مع ذلک ذکرش در همین آیه بلفظ اثم بسیار آنکه اثم بنای است نقطه +
 نفس خمر باشد دلالت میکند بر اینست که در آن و نیز تصریح است بجرایم بودن آن
آیه دوم بحسب نزول کلمه مرسله الکاف که در قرآن مجید راجع بخرم نازل شده
 سورة مبارکه **مائده** آیه ۹۰ قوله تعالی (یا ایها الذین امنوا انما الخمر
 و المیسر و الانصاب و الاکلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه
 لعلکم تفلحون) **بیان** خمر هر نوع از شراب (مبیس هر نحو از قمار)
 (انصاب بنهائیکه نصب میگردند برای پرستش) از لایم نیز عتیقه طلب
 قسمت رزق میگردند بقتل زدن بآنها) و تفصیلش اینست از لایم هیچ زخم است
 و آنها نیز ثانی بوده نزد خدا کعبه در بعضی آنها نوشته بود آخر ذبی و در بعضی نوشته
 بود نهانی ذبی و زمان جاهلیت هرگاه اراده سفر یا جنگ یا تجارت یا مهم دیگر
 میگردند میبایند در کعبه و تیری بخورند بیرون میاورند و آنرا در آن نوشته بود

آخرین ذبی آن کار را میکردند و اگر نوشند بود نهانی ذبی نمیکردند و باین نحو
 طلب قسمت رزق خود میکردند یا آنکه باین تیرها تقسیم مال میکردند و نصیب
 هر کس معلوم میشد و این در زمان جاهلیت یک نوع از قمار بوده و در مجلس
 یعنی پلید و نجس و هر عمل قبیح **ترجمه آیه مبارکه** اینست (ای مردمانیکه
 ایمان بخدا آورده اید و تصدیق رسول کرده اید البته جز این نیست که
 شراب و قمار و بت پرستی و تیرها تیکه طلب قسمت خود بآنها میکنید
 پلید و نجس و از کارهای شیطان با وادار نمودن شیطانست پس باید
 دوری کنید آنها را شاید رستگار شوید **مؤلف گوید** اینکه این افعال را نسبت
 بشیطان داده و میفرماید من عمل الشیطان جهنم است که از هر گونه مفهومی و از
 هر شری از شر و در آنهاست شراب عقل را که اشرف اشیاء است در وجود
 انسان و سرمای انسانیت است و فارق بین انسان و سایر حیوانات است را از بین
 پس وقتی از عقل افتاد و شعورش ضایع شد مرتکب هر گونه هرزه و اراذل
 و هر نحو از شر و فساد میگردد و با که از تنگ عرض و جنایات و تعرض از مردم
 بضرب و شتم و غیره ندارد حاصل آنکه شخص مست بدون خوف و بیم مرتکب
 هر جنایتی و فحاشی میشود بدون فکر از حبس و مجازات و عاقبت ضمیمه کار خود
 و آیه مبارکه بعد از ذکر خمر و ما بعد آن میفرماید فاجتنبوه و مرجع ضمیر که ای
 فاجتنبوه باشد یا رجس است یا عمل الشیطان یعنی دوری کنید از این پلیدها
 با از اطاعت شیطان **و در آیه اول** که **یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخمر** باشد بطور علامت
 منع از خمر فرموده و چون ترک نشده در این آیه در تحریم خمر تأکید نشده و فرموده

بجملات عده که در آیه است اولا جمله را مصدرا بنا کرده و آن صرف
 تأکید است و ثانیاً آنها را رجس یعنی نجاست نام گذاشته و نیز آنها را
 بعمل شیطان معرفی فرموده یعنی مرتکب شدن آنها شر محض میباشد و بعد از
 همه اینها فرموده اجتنبوه و این امر است و امر مقتضی ایجاب است و این مثل
 آنست که فرموده باشد واجب است اجتناب و دوری کنید و دیگر آنکه شراب
 خوردن را قرین به بت پرستی نموده که معنی لفظ انصاب است و باین جهت است
 چنانچه در مجمع البیان است که حضرت امام باقر فرموده (مَنْ دَانَ الْخمرَ كَعِبَادَةِ الْوثنِ
 یعنی شرابخوردن مثل بت پرستی میباشد **آیه ستم** بحسب نزول مخلف مرسله الکافه
 ایضاً در سوره **مائده** آیه ۹۰ متصل بآیه سابق قوله تعالی (إِنَّمَا يُبَدِّلُ
 الشَّيْطَانُ اَكْبَ بَعْثِكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخمرِ وَالْمَيْسِرِ وَبَدَّلَكُمْ كُنُ
 ذِكْرَ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ **ترجمه آیه مبارکه** (البته جز این نیست
 که اراده میکند شیطان اینکه بیندازد میان شما دشمنی و بغض هم دیگر را در شراب
 و قمار و جلوگیری کند شما را از یاد خدا و از نماز خواندن پس آیا شرک کننده
 هست شراب و قمار را) و اما آنکه شرابخواری و قمار بازی موجب دشمنی
 و بغض میشود جهنم است آنکه شخص مست بهر کس جنایت و جراحتی وارد بیاورد
 یا بتک عرض از کسی بنماید این شخص که بدی با او رسیده تازه است بغض و
 دشمنی او را و تا هر وقت شده انتقام از او خواهد کشید و از او قصاص و تلافی
 خواهد کرد یا بدست خود یا بوسیله دیگران و همین طور است قمار آن کی که
 مالش رفته همیشه بغض برنده را دارد و با او در مقام عداوة است و این

و این آیه آخر رضایت شدت و غلظت منع و نهی از شراب فرموده و براتب
از دو آیه قبل سخت تر تا کید در ترک نموده باین جهت که مقداری از آثار
و افعال آنها بیان فرموده باینکه موجب عداوت و بغضاء میشود و بیکر آنکه مانع جنود
از ذکر خدای تعالی یعنی بیاد آوردن پروردگار عالم و مانع میشود از نماز که آن فرق بین
کفر و اسلام است و در آخر آیه بطور نندی و تهدید خطاب را خاتمید به باینکه
بفرماید قَهْلَ أَنْتُمْ مُنْكَهَوْنَ و این اعلام بآنست که دیگر منع و تخطیر بنهایت رسیده
و این بصیغه استفهام است و معنای آن نهی است و لکن ابلغ و اشد است
از صیغه نهی که بگوید اَنْتُمْ وَلَا تَشْرَبُوا مثالش آنکه اگر نوکر شخصی در مواردی مخالفت
از آقای خود کرده باشد و کاریکه مبعوض آقای خود باشد بجای آورده و در هر
مرتبه مولای او را از آن عمل نهی کرده باشد و در آخرین دفعه که آقای خلیه در
سخط و عقوبت شده باشد از عمل او در مقام تهدید و وعید باو خطاب میکند
که آیا این عمل را ترک میکنی یعنی اگر ترک نکنی بعد از این عذاب و عقاب خواهی
داشت و این گونه از خطاب بلفظ استفهام براتب ابلغ و اشد است از
صیغه نهی که بگوید لکن این کار را و چون غلظت و شدت نهی باخرین درجه رسیده
بعد از امر فرمود باینکه شراب خور باید حد بر او جاری شود و تعیین حد فرمود
شیخ جلیل **علی بن ابراهیم** قمی قدس که در عصر حضرت حسین مسکری ۴ بوده در
تفسیر خود جنوبید و این تفسیر متجاوز از هزار سال قبل نوشته شده سال
فوت ابن شیخ را حقیق بدست نیاورده ام و لکن محققاً تا صد و هفت از هجرت
حیات داشته چون شیخ صدوق ۲ روایت میکند از حمزة بن محمد ۳۳۹

که او یکویده خبر داد مرا **علی بن ابراهیم** در سن ۳۲۷ سیم و ثلاث فاه **و در ولایت موحد**
در تفسیر که راجع بحد است اینست (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَأَجْلِلْهُ
فَلَنْ عَادَ فَأَجْلِلْهُ فَلَنْ عَادَ فَأَجْلِلْهُ فَلَنْ عَادَ فِي الرَّابِعَةِ فَأَقْتُلُوهُ
ترجمه به غیر فرموده کسی که شراب بخورد او را تازیانه بزنید و اگر در مرتبه دوم
هم خورد باز تازیانه اش بزنید و اگر در مرتبه سوم هم خورد باز تازیانه اش
بزنید و اگر در مرتبه چهارم باز شراب بخورد او را بکشید) آیات راجعه بجنه
بمقدار لازم نوشته شده امید است که عموم مسلمین بآن منتفع گردند + +
فصل دوم در اخبار یکده راجع بمضرات و مضرات شراب
عارض میگردد **تهذیب** شیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی اعلی السیاسة مقامه
که بعد از هفتاد و پنج سال از عمر در سال چهار صد و شصت هجری از دنیا رفته
در کتاب مذکور در باب اطعمه و اشربة **و عالم جلیل** شیخ حر عاملی قدس که بعد
از هفتاد و یک سال عمر در سال ۱۱۳۴ هزار و صد و چهار هجری فوت شده
در کتاب **وسائل** ایضاً در باب اطعمه و اشربة این خبر شریف را جنوبید
از شیخ جلیل القدر محمد بن یعقوب الکلینی ره که در سال ۳۲۹ هجری
بیست و نه هجری از دنیا رفته از حضرت امام جعفر صادق ع که آنحضرت
فرموده (وَأَمَّا الْخَمْرُ فَلَا تَقْتُلُكَ إِلَّا بِفِعْلِهَا وَفَسَادِهَا وَظَلَمِهَا لِلْخَمْرِ
كَعَابِدٍ قَتَلَ قَوْمَهُ ثُمَّ الْإِذْ يَعَاشُ) محل شاه ارتعاش میباشد **بیان**
مَنْ مِنَ الْخَمْرِ كَسَبَتْكَ أَدَاةً فِي شَرَابِهِ وَتَنْ بَفَارِسِي بَت كَوْنِهِ
إِذْ يَعَاشُ رَعَتْهُ وَلَمْ يَرْشُدْ فِي مَعْشَرِهِ **ترجمه** حضرت صادق ع

فرمود اما شراب پس بد رستیک خداوند عالم حرام کرده آنرا بواسطه فعل و فسادیکه
در آن هست و آنحضرت فرمود کسیکه عادت او شراب خوردن باشد مثل بخت
پرست است و موجب رعشه در اعضا او میشود **مؤلف گوید** بعد از
فرنها حال پرو ^{منسوخ} عادی عالبقام کشف کرده اند که شراب خوردن رعشه
عارض میکند و عین لفظ آنها اینست چنانچه در بعضی نشریات ذکر شده و در
فصل چهارم هم خواهد آمد (الکلیها اعصاب آخذه و محرکه شان ضعیف شده
فلج وار تعاشش پیدا میکنند) **علل الشرب** شیخ صدوق علیه الرحمه در ^{درسته} ۳۱
صد و هشتاد و یک هجری از دار فانی برمت ایزدی پیوسته در کتاب مذکور
در باب ۲۲۸ از ابواب آن کتاب **و** شیخ حر عاملی که در ۱۱۰۴ هجری
از دنیا رفته در کتاب **وسائل** در باب ۳۶ اثر به مینویسند از ابو بصیر که از اصحاب
حضرت امام جعفر صادق ^{علیه السلام} میباشد میگوید آنحضرت فرمود (المضطرب لا یشریب
المکر لا نهما لا تنبذ الا شرا و لانه ان شربهما قتلک فلا یشریب منهما
قطرة و ذوی لا تنبذ الا عطشا) یعنی بدل لا تنبذ الا شرا روایت شده و در
لا تنبذ الا عطشا **مؤلف گوید** ظاهر از روایت آنستکه از حضرت سؤال کرده
باشند که اگر کسی ناچار شود برای رفع مرض قدری شراب بخورد آیا جائز است
حضرت جواب میفرماید که **ترجعه** آن اینست (شخص مضطر باید شراب بخورد
بجهت آنکه شراب زیاد نمیکند مگر مرض را و بجهت آنکه اگر مریض شراب بخورد
او را مملکت نمیکند پس باید از شراب قطره نخورد) و در دو کتاب مذکور
میفرمایند روا بئیم وارد شده لا تنبذ الا عطشا یعنی در عوض لا تنبذ الا شرا
روا بئیم

روا بئیم وارد شده لا تنبذ الا عطشا یعنی خوردن شراب زیاد نمیکند مگر
تشنگی و التهاب مریض را **مخفی نماند** همین ضرر و زیان شراب را که حضرت
صادق ^{علیه السلام} برای مریض از آن خبر داده و فرموده هرگاه مریض شراب بخورد او را
میکشد حال بعد از صد سال که علم و دانش ترقی کرده علماء طب و فیلسوفها
محترم بنا بر تشریه تبلیغات اسلامی بآن تصریح کرده اند و گفته اند شراب علاوه
آنکه فائده بدن مریض نمیرساند زیانهای بسیار با و وارد میآورد ذره
از مواد آلی عمل گلبولهای سفید خون را فلج و از کار میآورد و گلبول سفید
سلولها نیست که در خون انسان وجود دارد و بعضی و رود میکروب ناخوشی
بدن مریض سلولها بد فاع میپردازند و بامیکروب جنگ میکنند تا آنکه آنرا مغلوب
و از بیمار دفع نمایند و این در وقتی است که گلبول که با سپان بدن است ضعیف
نباشد و قوه مقاومت در مقابل مرض داشته باشد تا مرض را دفع کند و اما
شراب و سایر مسکرات بمجرد داخل شدن آنها در خون گلبولهای سفید را ضعیف
و متوقف و از قوه دفعه با مرض میاندازد بطوریکه جزئی فعالیتی هم از او
در مقابل مرض ظاهر نمیکرد این فائده از فوائد شرابست بر کردیم باخبر وارد
در مقام **مستند** رک مرحوم حاج میرزا حسین نوری قدس سره که بعد از عطف
نصحت و شش سال عمر در سلسله قری از دنیا رفته در جلد سوم کتاب
مذکور مینویسد (قال ^م و الذی یعتنی بالحق نیتا ان شارب الخمر
یموت عطشا نا) محل شاه عطشانامی باشد **ترجعه** حدیث (فرمود پیغمبر اکرم
قسم بخدا نیک بطور حق مریضی نمیرسد بد رستیک خوردن شراب بمیرد

در حال نیکو نشد باشد) **مؤلف گوید** هر وقت این دو خبر هم که راجع به عطش شراب
میباشد در حال مرض بعد از قریب استکشاف کرده اند که خون مواد آنکه موجب
مرض عطش میشود در مزاج خورنده آن و عبارتشان بر حسب چیزیکه در بعض
نشیات دیده شده اینست در یکجا میگوید (در اثر استعمال افراطی نوشابه
استغناء دست میدهد در نتیجه بیماری همیشه احساس تشنگی کرده میشود
آنرا با آب یا مشروب بنشانند) در جای دیگر میگوید (آلکل باعث التهاب جهاد
هاضمه میشود) **ایضا مستند** در مزاج میرزا حسین نوری در درجده
سوم کتاب مذکور از فقه الرضا نقل میکند که آنحضرت فرموده (إِنَّ الرَّحْلَ إِذَا
سَكِرَ قَرَّبَهُ إِلَى آتِهِ أَوْ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَيُفْسِدُ أَمْوَالَهُ
وَيُذْهِبُ بِالذِّهْنِ وَيُهَيِّئُ الْمَعَاشِرَةَ وَيُوقِعُ الْفِرْيَا وَهُوَ يُوَدِّعُ مَعَ ذَلِكَ
الْعِلَاءَ الدَّافِينَ) محل شاهد دافین است **بیان** مکرر مست شدن دافین
بیماری که معلوم نباشد چیست چنانچه در بحرالمیوه نوشته (و در المنجد) میگوید
(دافین ای ظمآن بعد خفاه فتنأ عنه شت) یعنی دافین بیمار است که معلوم
نیست همین قدر مشخص میباشد که سالم نیست اما مرضش چیست نمیدانند پس آشکار
میشود و ناشی میگردد از آن شرعاً یعنی مرضهائی در بدن **تجربه** فرموده در سبکه
هرگاه شخص مست بشود چه بسا میشود که در حالت مستی چون عقلش زایل شده
واقع شود بمادی بخورد و بعد با قتل و کشتن از او صادر شود و فاسد و ضایع
میکند اموال خود را و بیشتر از این میبرد و به میکند معاشرت را با مردم و صدای
عریه ترساننده از او بلند میشود و بالاین همه بهیما شراب خوری باعث میشود

مرضی که مخفی و پوشیده باشد در بدن و از آن مرض که معلوم نیست چیست
ز یا نه ظاهر میگردد) **ایضا مستند** در مزاج میرزا حسین نوری در درجده سوم
کتاب مذکور بنویسد (وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْخُرْتُوْدُ أَفْسَادُ الْقَلْبِ
وَبُسُودُ الْأَسْنَانِ وَتَجْفُرُ الْقَمَمُ) محل شاهد هر سه لفظ افساد قلب و سود اسنان
و تجفر قم میباشد **بیان** در المنجد میگوید تجفر القمم انقش و یجف یعنی درین به پوشد
تجربه خبر امام علیه السلام فرموده شراب قلبی که حیات انسان سونوف باو است
فاسد میکند و دندان را سیاه میکند و درین را متعفن میکند) **راجع بقالب** که
در خبر مذکور شده بر طبق آن بر حسب بعض نشانیات استکشاف کرده اند و معین کلام
آنها اینست (آلکل در نتیجه خرابی خون عمل قلبش مختل شد و اشخاص
آلکل آنرا بنام طپش قلب میخوانند) **و راجع بمنجد القمم** لفظشان اینست
(دهان الکلی بد جواست در اثر خرابی دریه) **مستند** **ایضا** تجلید میفرماید
وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعَبْدُ إِذَا شَرِبَ سُكْرًا مِنْ الْخَمْرِ انْتَلَاهُ اللَّهُ
يُخَفِّضُ الْأَشْيَاءَ الْأَوَّلَ قَسَاوَةً قَلْبِيَّةً) محل شاهد قساوة قلب است **تجربه**
بغیر فرموده شخص هرگاه بنوشد شرابی از شراب مبتلا میکند خداوند عالم او را
شیخ عیر که اول آنها قساوت قلب است یعنی در نتیجه شراب دل او مثل سنگ
سخت میشود و رقت و نرمی از او برداشته میشود) و چون غرض حقیر در این فصل
بیان مضر آنیست که شراب بکالبد میرساند لهذا عنوان قساوتش فقط ذکر شد
و تمام خبر در فصل آینده انشاء الله ذکر میشود **مقتضی** شیخ نجف قدس سره که بعد از
هفتاد و هفت سال عمر در ۱۳۳۵ هجری قمری از دنیا رفته

در کتاب مذکور که تقریباً نهصد و پنجاه سالست نوشته شده من خبر برادر
 ذکر میفرماید و آن اینست (وَجَلَدُ شَاذِبِ الْفُقَاعِ مَا أَنْكَرَ بَعْدَ زَعَارَتِ
 مَخْضَرِ مِيفَرْمَايِدَ) و آنما حَرَمَ لَا تَنْدُ بَقِيدُ الْمِلَاحِ وَ يُوْدُوتُ قُوْتِ الْفُجَاعِ
 محل شاهد فساد مزاج و فوت فحشاء است **بیان** جلد حد بانازبانده است
 فُجَاعِ بکنوع از شراب است فُجَاءَ فوت ناکهانی که در این زمان آنرا سکنه
 میگویند **ترجمه** میفرماید اینست و جز این نیست که حرام شده مشروب
 مست کننده بعلت آنکه مزاج را فاسد میکند و مردن ناکهانی یعنی سکنه +
 عارض میکند) و همین خطر بزرگ را فیلسوفهای زمان بعد از صد سال
 استکشاف کرده و عین عبارتشان بحسب بعضی نشریات اینست ++
 (سکنه یکی از خطر هائیکه است که شخص آلوده همیشه نهد بد میکند)
تحف العقول شیخ جلیل حسن بن علی بن شعبه ذکر از علماء قرن چهارم هجریست
 در کتاب مذکور از حضرت امام زین العابدین ع منوبید أَنَّهُ قَالَ إِنَّ الرُّوحَ
 الْمُتَنَهِّي بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مُسْتَحْفَظٌ وَ مُجْهَلَةٌ وَمَنْ هَبَّ لِلْمُسْرِقِ
ترجمه حضرت زین العابدین ع فرموده شریک غورنده را بسستی برساند در اندام
 سستی آورنده است و نادان کننده است و مروت بر نده است ++
فصل ستوم در اخبار یک از شرع انور راجع بمرست شراب و کيف و عقوبات
 اخروی آن وارد کرده بدین **تفسیر علی بن ابی ایهیم** شیخ جلیل عین ابراهیم قمی قدس
 که در رک کرده زمان امام حسن عسکری ع را و ستم نداشتند و سخت حیات داشتند
 در نفس خود که از نفا سیر معتبره معروفه است منوبید از حضرت ابی جعفر الباقی علیه السلام

در آیه اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ كَأَنْفُسٍ فَسُودَ (وَحَرَّمَ اللَّهُ الْمُنْتَهَى قَلْبَهُمَا وَ كَثِيرُهَا
 وَ بَعْضُهَا وَ شَرُّهُمَا وَ الْإِنْتِفَاعُ بِهَا) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ
 يَسْقَى مَنْ يَشْرِبُ الْخَمْرَ مِثْلَ الْخُرْجِ مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ وَ الْمُؤْمِسَاتِ
 الرُّوَابِ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِهِنَّ صَدِيدٌ وَ الْقَصْدُ يَدْقِيعُ وَ دَمٌ غَلِيظٌ مُخْتَلِطٌ
 يُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ حَرَمَهُ وَ نَذَرَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ
 لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَوةٌ أَوْ بَعِيْنٌ لَيْلَةً فَإِنْ عَادَ فَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ يَوْمِ شَرِبَهَا
 فَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْأَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ عَشْرِ تَوْبَةٍ سَقَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 مِنْ طَيِّبَةِ خَبَالٍ **بیان** مؤمسات زنهای زناکار صَدِيدٌ هر که خون
 مخلوط بهم حَرَمَ گرم سوزنده نَقْنَق بوی کند طَبِئَةً آفریده شده خَبَال
 چاهمی است که جمع میشود در آن حرکت و خونیکه جاری میشود از فرج زنهای زناکار
ترجمه حضرت امام محمد باقر ع فرموده (حرام کرده خداوند عالم شراب را خواهد که باشد
 و خواه زیاد و حرام فرموده خریدن و فروختن و سود بردن از آنرا و پیغمبر
 فرموده لازم کرده خدای تعالی که اشخاص شرابخوار را سیراب کند از حرکت و خونیکه
 بیرون میاید از فرج زنهای زناکار و این حرکت و خون بطور بست که از
 حرارت و بوی کند آن اهل جهنم در آزار و اذیت از آن میباشد و فرمود پیغمبر
 که یک شراب بخورد از روزیکه خورده تا چهل روز نماز از او قبول نمیشود و
 اگر در بین این چهل روز بمیرد بدون توبه و برگشت از معصیت میباشاند
 خداوند نعم با و در روز قیامت از حرکت و خونیکه جاری میشود از فرج
 زنهای زناکار که جمع شده در چاهیکه اسم آن بَرِ خَبَال است) **ایضا** دانسته

شود که اخباری چند متحد المعنی و مختلف السند از حضرت امام محمد باقر
و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما وارد شده که شراب در هر شهری
از اعصار و هر دینی از ادیان حرام و ممنوع بوده و حقیر بواسطه اختصار
فقط دو خبر از آن اخبار را در این مورد ذکر میکنم و هر کس طالب یادگیری
رجوع کند بکتاب مفصله مثل کاف و تهذیب و غیر آنها **کافی** شیخ جلیل محمد بن
یعقوب کلینی علیه الرحمة که در سینه صد و بیست و نه قمری از دنیا رفته
در کتاب مذکور بنویسد **باب** أَنَّ الْمُحْرِمَ لَمْ تَزَلْ مُحَرَّمَةً یعنی باب اینکه
شراب همیشه حرام بوده **وَأَمَّا** قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ **مَا بَعَثَ اللَّهُ**
عَرَفًا وَجَلَّ نَبِيًّا قَطًّا إِلَّا وَفِي عِلْمِ اللَّهِ عَرَفًا وَجَلَّ إِنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ بَيْتَهُ كَانَ فِيهِ
عَمِيمُ النَّحْرِ وَلَمْ تَزَلِ الْمُحْرِمُ حَرَامًا وَابْتِغَاءُ بَقُولِهِ مِنْ خَصَلَةٍ إِلَى خَصَلَةٍ
بَيَانٌ و در آنجا که راوی خبر است از ثقات روایت از حضرت باقر و صادق علیهما
السلام **قَطًّا** ظرف زمان است برای استغراق ماضی یعنی فرا گرفتن تمام زمان گذشته
و مختص بظنی است ما بَعَثَ نَبِيًّا قَطًّا یعنی مبعوث نشده هیچ زمان تنجیه سفت
امام جعفر صادق فرموده نفرستاده خدای عز و جل پیغمبر را در هیچ زمان مگر آنکه
از دین او باشد و نبوده زمانیکه شراب حرام نباشد و اینست وجه این نیست
که پیغمبران نقل میکنند مردم را از خنوع بخوشی که بهتر باشد **مؤلف گوید** که همین
کلام معنای نسخ شریعت سابق است **مستدرک** جلد سوم مرحوم حاجی نور
در کتاب مذکور میفرماید ابو بصیر من ابی جعفر **قَالَ** مَا زَالَتِ الْمُحْرِمُ فِي عِلْمِ اللَّهِ قَطًّا
وَعِنْدَ اللَّهِ

وَعِنْدَ اللَّهِ حَرَامٌ وَ أَنَّهُ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا يُرْسِلُ رَسُولًا إِلَّا وَجَلَّ
فِي شَرِّهِ يَنْهَى عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ حَرَامًا فَأَحَلَّهُ مِنْ بَعْدِ إِلَّا لِلْمُضْطَرِّ
وَلَا أَحَلَّ اللَّهُ حَلَالًا قَطًّا ثُمَّ حَرَّمَهُ **ترجمه** ابو بصیر که از اصحاب حضرت باقر
و صادق علیهما السلام است میگوید که حضرت امام محمد باقر فرمود که همیشه
شراب در عین خدای تم و نزد او حرام بوده و خدای تم مبعوث نفرمود پیغمبر را
و نفرستاده رسول را مگر آنکه حرام کرده در شریعت او شراب و حرام نکرده خدای
حرام را که بعد از تحریمش حلال نماید آنرا مگر برای شخص مضطر مثل اکل میت
برای کرسنه که چاره ندارد و در هیچ زمان حلال نکرده خدای عالم حلال را که بعد از
آنرا حرام بفرماید **استدراک** در این مورد اگر صاحب ظنی از عمل عالم
انکار کند و خبر فوق را و بگوید شراب سابق بر اسلام حلال بوده جواب
میگوئیم این کلام در صورتیکه تورات فعلی و انجیل فعلی را ندیده باشد
عین مجاز فداست یعنی تکلم بغير قانون و بدون بصیرت است و اگر
آن دو کتاب را دیده و مطالعه کرده و این کلام را بگوید البته محض عناد
و لجاج میباشد و باین جهت حقیر آیات چند از تورات و انجیل فعلی
در این مورد ذکر میکنم که نص صریحند بر اینکه شراب در اتم سابقه
نیز خبیث و پلید و مورد منع بوده بآیاتیم برخلاف این آیات
که دلالت بر اباحه میکنند در این دو کتاب مقدس موجود است و لکن
بسیار از عجائب و غرائب است کتابیکه نسبت کتاب آسمانیان دهند
تناقض کونی کند در یک آب شراب مطلوب و در آید دیگر شراب بغوض

کیف کان محل شایه ما آیات ناهیه است **تورات** موافق ترجمه فارسی مطبوعه
لندن در سده میلادی مطابق سده ۱۳۳۰ هجری قمری که فعلا پیش حقیر موجود است
سفر داوران باب ۳ (۴ و ۳) عین عبارت اینست (فرشته خداوند برین
مانوح نام از قبیل دان که حامله بود ظاهر شد و گفت پسری خواهی زائید و الآن
با حذر باش و هیچ شراب و مسکری ننوش و هیچ چیز نجس نخور) **ایضا تورات**
سفر داوران باب ۳ (۱۳ و ۱۴) عین عبارت ترجمه لندن (فرشته خداوند
بمانوح گفت از هر آنچه برین کفتم اجتناب نماید از هر حاصل مگو زنا را نخورد
و هیچ شراب و مسکری ننوشد و هیچ چیز نجس نخورد) **ایضا تورات** سفر لاویان
باب ۸ (۹ و ۸) عبارت تورات موافق ضبط انیسلا لاملام اینست
وَمَلِئْ مَاذِیاعا ۱۲ اهادون و آمیرله ۱۱ خامل و شکر لا قش
اقت و ینک عما مید الآن اکتون لمشکن دلا تموتون قیاما العالم
لداد یخون) و معنای این کلمات موافق ترجمه فارسیه تورات مطبوعه
لندن در سده میلادی مطابق سده ۱۳۳۰ هجری قمری که فعلا این ترجمه پیش حقیر
موجود است بدون کم و زیاد اینست (و خداوند هارون را خطاب کرده
گفت ۱۲ و نو و پسرانت با تو چون بخیمه اجتماع داخل شوید شراب و مسکری
ننوشید مباد احمیرید اینست فریضه ابدی در نسلمای شما) **انجیل لوقا**
ترجمه فارسیه آن مطبوعه لندن در سده میلادی مطابق سده ۱۳۳۰ هجری قمری
باب ۱۴ (۱۵ و ۱۴) در خصوص حضرت یحیی ۴ میگوید (فرشته خداوند برین
ظاهر گشت و گفت ای زکریا بسیاری از ولادت او سرور خواهند شد زیرا

کدر حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید) ***
مؤلف گوید این توصیف و تقدیس از حضرت یحیی ۴ بهمت آنکه شراب و مسکری
نخواهد خورد دلالت واضح دارد بر آنکه شراب و سایر مسکرات در نهایت
درج شدت بغض خداوند عالم میباشد **ایضا تورات** کتاب اشعای نبی ۳۴
باب آیه (۱۱ و ۱۲) ترجمه لندن (وای بر آنا که صبح زود بر میخیزد نادری
مسکرات بروند و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید و در
بزم های ایشان عود و تبریط و دف و نای و شراب میباشد) **تورات**
ایضا باب آیه (۲۶) موافق ضبط انیسلا لاملام (وای لدتی دین
کامباری لشتی خامل و قدس خنیلر لمن ک شاکلو) **ترجمه فارسیه**
مطبوعه لندن مذکوره التاریخ در ماسبق (وای بر آنا که برای نوشیدن شراب
زور آورنده و بخت مزوج ساختن مسکرات مردان قوی میباشد)
ایضا تورات کتاب اشعای نبی باب آیه (۶ و ۷) ترجمه لندن که قبلا
ذکر شد (روح انصاف برای آنا نیکه بدوری مینشیند و قوت برای آنا نیکه
چنگر ابر و اوزه مبر میگردانند و لکن اینان نیز از شراب کمره شده اند
و از مسکرات سرشته گردیده اند) **مؤلف گوید** بدقت ملاحظه کنید که چه
نحو خورنده شراب مورد ملامت و سرزنش قرار داده شده **ایضا تورات**
کتاب امثال سلیمان نبی ۴ باب آیه اول ترجمه لندن (شراب استنزه میکند
و مسکرات مرده میاورد و هر که بآن فریفته شود حکیم نیست) **تورات** ایضا
کتاب امثال سلیمان ۴ باب آیه (۳۱) عین عبارت ترجمه فارسیه لندن مطبوعه

در سند سابقه الذکر (شراب نگاه کن و فتنه شرح نام است جنبه که خوابهای
خود را در جام ظاهر میسازد و بلا نیست فرو میرد آلوده آخر مثل بار خواهد گزید
و مانند افقی نیش خواهد زد) **انجیل رساله پولس** به افسسیان باب ۵
آیه (۱۸) عین ترجمه لندن (و مست شراب مشوید که در آن نجو است
بلکه از روح پر شوید) **ایضا انجیل** ترجمه فارسیه آن مطبوعه لندن ۱۹۰۲
میلادی رساله پولس بفرنیسیان باب ۱۰ آیه (۱۰) عین الفاظ (دزدان
و طبع کاوان و میکسادان و فحاشان و ستم کران و ادب ملکوت خدا
نخواهند شد) **مؤلف گوید** ملاحظه کن این جمله چه قدر دلالت بر رد
و منع از خوردن می دارد و آنکه تارک آن وارش بهشت ملی خواهد
گردید و محروم از فضل خدای عالم نخواهد شد بلکه کفایت میکند در منع و فتنه آن
که ردیف کرده آنرا در کلام خود با چهار امر مستلزم الفضاحه که در دنیا و طبع کاری
و فحاشی و ستم گری باشد پس کسی که کان کند شراب در زمان انبیاء سلف
حلال بوده بمحمد اند نه بر او ثابت و مدلل شد که شراب همیشه موم و ممنوع بوده
در دوران انبیاء سلف چنانچه لسان محمد عتیق و جید را در این خصوص
ملاحظه نمودی و **کفایت** کرد در این مورد آبانیکه ذکر شد از عهد بن پسر شروع
میشود در اخبار متفقین آمده از اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم
که راجعه بعقوبات ^{خورنده} **کافی** شیخ جلیل محمد بن یعقوب الکلینی علیه الرحمة
که در **مشهد قمی** از دنیا رفته در کتاب مذکور در باب خوردن شراب روایت
میکند از حضرت امام جعفر صادق **علیه السلام** سئل أبو عبد الله عن الخمر فقال قال
رسول الله

رسول الله ص إن عت و جلت بعثني رحمة للعالمين ولا تحق المعازف
و المزامير و أمود الجاهلية و الأوثان و قال أفتسم دبی ان لا یشریب
عبدی فی الدنیا و لا یشریبه الا سقیتة مثل ما شرب منها من المہیم
معدن یا او مغفور له ولا یشریبها عبدی صبیاً صغیراً او مملوکاً
الا سقیتة مثل ما سقاہ من المہیم يوم القيامة معدن یا بعد او مغفور له
بیان تحق محو و نابود شدن شئی معاذن جمع معرقات است و آن آلات
طرب است از قبیل تار و طنبور و گمانچه و قیاس جمع مزمار و آن نای است
و در عرف جمیع سازها است اوثان جمع وثن که آنرا بفارسی بشت گویند
نیم شراب است حمیم آبست که در نهایت درجه حرارت و سوزنده کن
ترجمه نجیب (سؤال شد از حضرت امام جعفر صادق م از شراب و هر شکری
در جواب گفت که پیغمبر فرموده بدرستی که خداوند عز و جل مرا مبعوث کرده
پیغمبری در حالتیکه رحمت برای اهل عالم و مبعوث کردم برای آنکه محو و
نابود کنم آلات طرب و لهو از تار و طنبور و نای و غیر آنها و براندازم روی
جامه ملت را و نابود کنم بنهارا و پیغمبر فرمود که بروردگار من قسم یاد کرده بر آنکه
نیست احدی از مخلوق من که در دنیا شراب بخورد مگر آنکه در قیامت او را
میاشامم از آب جوشان جهنم مثل شرابی که در دنیا آشامیده خواهد در این هنگام
در عذاب باشد و خواهد کشتن او را کشیده باشم و نمی آساند بنده من بچند را
که بنور بخت تکلیف نرسیده باشند و خدمت کنان خود را از شراب کمتر کرد در قیامت
میاشامم با و از آب جوشان جهنم مثل شرابی که با نداشتن اندیشه خواهد بعد از هم

معتذب باشد و خواه کنا انشر انجشیده باشم) **کافی** ایضا شیخ جلیل محمد بن یعقوب
 الکلبینی قدس در کتاب مذکور می نویسد از امام پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 عن ابي جعفر ع قال يؤتى في شارب الخمر يوم القيامة مسوداً وجهه
 من لعل لسانه يبل لعابه على صدره وحق على الله عز وجل
 ان ينفية من بشر خبال قال قلت وما بشر خبال قال بشر يبل فيها
 صدره الزنافة **بیان** مسود سیاه شده من لعل لسانه بیرون آورنده
 زبان از دهن لعاب آب غلیظ با چسبندگی است که از دهن بیرون آمده جاری میشود
 بشر چاه است خبال چاهی است که حرکت و خونیکه از فرج زنهای زانیه جاری
 میشود در آن جمع میگردد صدره حرکت و خون مخلوط **ترجمه** حضرت امام
 محمد باقر فرموده میاورند شرابخور را روز قیامت در حالتیکه صورت
 او سیاه است و زبانش از دهن بیرون آمده و لعاب از دهنش بر روی
 سینش جاری میباشد و حق است بر هر مرد کار عالم آنکه بیاشاند او را
 از حرکت و خونیکه بیرون میاید از فرج زنهای زناکار) **کافی** ایضا شیخ جلیل
 محمد بن یعقوب الکلبینی در کتاب مذکور از حضرت صادق م روایت میکند که
 آنحضرت فرمود **لا** قال رسول الله ص شارب الخمر ان مرض فلا تدعوه
 وان مات فلا تحضره وان شهد فلا تزكوه وان خطب فلا تزوجوه
 وان سئلکم امانة فلا تأتمنوه **مؤلف گوید** این روایت صحیح و دلالت
 دارد بر اینکه خورنده شراب حیات و میتا ذره احترام برای او نیست و تخلفی است
 بسیار پست و مبتذل **ترجمه** خبر حضرت صادق م فرموده که رسول خدا ص

فرمود کسیکه شراب بخورد اگر مریض شد از او عیادت نکنید و زنا کنید مرد از جنازه
 او تشییع نکنید و اگر شهادت بخیر می داد شهادت او را قبول نکنید و او را راستگو
 ندانید و اگر از شما خواست کاری زن کرد زن باو ندهید و اگر امانتی از شما
 خواست امانت باو ندهید و او را امن بر مال خود ندانید) **کافی** ایضا از حضرت
 صادق م قال شارب الخمر يوم القيامة يأقى مسوداً وجهه مائل الشفة
 من لعل لسانه ينادى العطش العطش **بیان** مسود سیاه شده
 مائل تجاورشگی از محل خود شدق بفتح و کسر شین و سکون دال زاویه الفم
 من باطن الخدین یعنی کجهای دهنش از میان برگشته بیرون دهن آمده
 من لعل دلع و ادلع لسانه یعنی بیرون آوردن زبانش را نادى فریاد کرد **ترجمه**
 حضرت امام جعفر صادق م فرموده خورنده شراب داخل میشود در عرصه قیامت
 در نهایت زشتی صورت و نحوست هیئت صورتش سیاه و کناره دهنش
 از پشت برگشته بیرون دهن در ظاهر صورتش و زبانش از دهن بیرون آید
 و فریاد میکند تشنه تشنه ام) **کافی** ایضا شیخ کلبینی قدس در کتاب مذکور میفرماید
 عن ابي عبد الله ع قال قال رسول الله ص لا ينال شفاعتي من استخف
 بصلاية ولا يرد على الحوض ولا لله الا ينال شفاعتي من شرب النكر
 ولا يرد على الحوض ولا لله **بیان** لا ينال ای لا یصیب یعنی نمیرسد استخفیه
 ای استنمان به و استخفوه یعنی سبک و کوچک شمرد آنرا لا والله ای لا ینال ولا یرد لله
ترجمه فرموده حضرت امام جعفر صادق م که رسول خدا ص فرمود نمیرسد شفاعت کسی که
 سبک بگیرد نماز خود را و نخواهد وارد بشود بر من در کنار حوض کوثر قسم بخوانم نمیرسد

و وارد نخواهد شد و همچنین نیرسد بشفاعت من کسیکه شراب بخورد و وارد نمیشود
 بر من در کنار محض کوشش و فرم خدا و وارد نخواهد شد و بشفاعت من نخواهد رسید **کافی**
 ابضا شیخ کلینی قدس در کتاب مذکور میفرماید **عن الحسن بن خالد قال**
قلت لا یحسن ۳ **ان اذ وینا من النبی** ۴ **انه قال من شرب الخمر لم یحسن**
صلواته اربعین یوما ۵ **قال فقال صدقوا قلت و کیف لا یحسن صلواته**
اربعین صباحا لا اقل من ذلك ولا اکثر ۶ **قال ان الله عز وجل قد**
خلق الانسان فصیغه فطیئة اربعین یوما ۷ **ثم فطیئها فصیغه ما علقه**
اربعین یوما ۸ **ثم فطیئها فصیغه ما مضی اربعین یوما** ۹ **فهو اذا شرب الخمر**
بقیت فی مشایبه اربعین یوما علی فکری انتقال خلقته ۱۰ **قال ثم قال**
و کذا لک جمیع علاقه الکلمه و شرب الخمر یقی فی مشایبه اربعین یوما **بیان**
 حسین بن خالد بطوریکه از روایاتش ظاهر میشود شخصی است با فضل و جلالت
 روایت میکند از حضرت کاظم و حضرت رضا علیهما السلام **اولی الحسن** ۱۱ **مراد از**
اول است که موسی بن جعفر باشد **لم یحسن** ۱۲ **ای لا تقبل یعنی قبول نمیشود** ۱۳ **قد**
یعنی اراده کرد ۱۴ **فطیئة** معنی است علقه فطیئة نمونست که بسته شده و قبل از آن بود
فطیئة فطیئة گوشت مرغی است که رگهای سبزرنگ در آن کشیده شده مشاش
 بضم می جمع مشاشه است و آن نفس و طبیعت و نرمی سراسخو آنها است که بکنش
 خاشیدن آنها **اکل** منصوب بمنع خافض است ای من الکلمه و شرب معطوف باوست
تجدید خبر حسین بن خالد که از اجله اصحاب حضرت موسی بن جعفر است میگوید
 عرض کردم تا حضرت که از پیغمبر برای ما روایت شده که آنحضرت فرموده کسیکه شراب

بخورد چهل روز نماز از او قبول نمیشود حضرت فرمود همین طور است راست
 میگویند پس عرض کردم چگونه است که نماز از او تا چهل روز قبول نمیشود
 نه کمتر از چهل روز و نه زیادتر فرمود خدای تعالی مقدر فرموده خلقت انسان را
 که تا چهل روز نطفه باشد پس تا چهل روز دیگر علقه باشد یعنی قطعه مرغی
 منجری پس تا چهل روز دیگر مضغه باشد یعنی قطعه گوشت مرغی که رگهای
 در آن کشیده شده باشد پس هرگاه شخص شراب بخورد باقی میماند شراب
 در نفس او یا در نرمی سراسخو آنها یا او تا چهل روز چون طول هر مرتبه
 از مراتب خلقت او چهل روز بوده پس فرمود همین طور است همه خوراکها
 انسان که اثر آن تا چهل روز در بدن باقی میماند **کافی** ابضا شیخ جلیل القدر
 کلینی ره در کتاب مذکور میفرماید **عن ابی عبد الله** ۱۵ **قال من شرب مسکرا**
لم تقبل منته صلواته اربعین یوما ۱۶ **فان مات فی الاربعین مات میت جاهلیة**
وان تاب تاب الله علیه **بیان** ۱۷ **المیتة** بکسر المیم حاله الموت و میمنت
 و بقیمها الحيوان الذی مات حتف انفه او علی هیئت غیر شرعیة جاهلیة زمان
 قبل از بعثت پیغمبر اسلام ۱۸ بوده که عرب در آن زمان بت پرست و جاهل بودند
 و رسول و احکام دین بودند **تجدید** ۱۹ حضرت امام جعفر صادق ۲۰ فرموده کسیکه
 شراب یا مسکری دیگر بیاشامد تا چهل روز نماز از او قبول نمیشود پس اگر در بین
 این چهل روز بمرده است میمنت مردن زمان جاهلیت یعنی بیدین از دنیا
 رفته است و این شخص اگر برگردد و بخند و نوبه کند یعنی نادم و پشیمان شود و تصمیم
 بکند که بعد از بارگشت باین کار نکند خداوند مهربان نوبه او را قبول میکند یعنی

این نگاه را از او عفو میفرماید **کافی** در اجر کسی که ترک کند خوردن شراب برای
رضای خداوند ثم شیخ جلیل کلینی قدس در کتاب مذکور روایت میکند از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده **قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ تَرَكَ الْمُسْكِرَ ابْتِغَاءَ**
مَرْضَاتِي أَكَلَتْهُ الْجَنَّةُ وَسَقِيَتْهُ مِنَ الرَّحِيْقِ الْمَخْمُومِ وَقَعَلْتُ بِهِ مِنَ الْكَلْبِ
مَا فَعَلْتُ بِأَوْلِيَاءِي **بیان** ابتغاء طلب کردن شئی مَرْضَاتِ خوشنودی
سَقَى سیراب کردن دَجِيقِ مخموم شرابیکه سستی ندارد و روی ظرفش طبع شده
بمشک یا آنکه در خاتمه شرب بوی مشک از آن استشام میشود اَوْلِیَاءِ دوستان
ترجمه حضرت صادق علیه السلام فرمود خداوند عز و جل فرموده کسی که ترک کند خوردن
مسکرات را و غرض او طلب رضا و خوشنودی من باشد داخل میکنم او را در بهشت
و میباشم او را از شراب خالصیکه نه فسادى در آن هست و نه عقل را زایل میکند
و روی ظرفش طبع شده بمشک یا آنکه در خاتمه شرب بوی مشک استشام میشود
و بعلاوه عطاء میکنم باو از کرامت و بخشش خود بهمان طوریکه باولیا و دوستان
خود عطاء و اکرام میکنم **مؤلف گوید** خداوند عالم کمتر در قرآن مجید این شراب را
توصیف فرموده در یکجا میفرماید لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا وَلَا يَنْزِفُونَ یعنی آن
شراب نه سر را دردمیآورد و نه عقل را زایل میکند و در جای دیگر قرآن میفرماید
لَذَّةٌ لِلشَّادِبِينَ لَا يُمْسِكُونَ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزِفُونَ یعنی آن شراب بهشت لذت
برای خورنده و در آن نه سردی باشد و نه مرضی هست و نه عقل را زایل میکند
و در مورد دیگر که آنرا وعده میدهد به بخشش طیبیه در پاداش اطعام آنها مسکین
و یتیم و اسیر را میفرماید وَ سَقَاهُمْ ذَبْهُمُ شَرَابًا طَهُورًا یعنی میباشم آنها را

پروردگارشان شراب بسیار بسیار پاک و پاکیزه چون ظهور صیغه مبالغه است
و راجع بخوبی و پا زه که آن میباشد **ایقظا** ای برادران عزیز دنیایچه روزی
و زمانش خیلی کوتاه است و آخرت باقی و همیشه است و این اخبار و جزائمان
که گفته شد دروغ نیست گفته اشخاصی است که خداوند متعال در باره آنها فرموده
وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ و در آیه دیگر در باره آنها فرموده **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ**
عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا پس اگر میخواهی که از رجس مخموم
و شراب ظهور در آخرت بمیاشامی و مورد کرامات الهی واقع گردی در دنیا
شراب مخمور و اگر هم خورده توبه کن خداوند تبارک و تعالی غفار الذنوب است
و بطور یقین عفو خواهد فرمود چنانچه در خبر سابق امام علیه السلام تصریح
بآن فرموده بود خبر شرب یعنی ایضا در اجر کسی که ترک کند شراب خوردن را
ولو برای رضای خدا نباشد بلکه برای حفظ نفس و دفع ضرر از خود باشد
وَسَائِلُ شیخ حر عامی ره در کتاب مذکور نقل میفرماید از علی بن ابراهیم قمی ره از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده **(مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ لِعَيْنِ اللَّهِ ثُمَّ**
سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيْقِ الْمَخْمُومِ قَالَ الرَّاهِي فَقُلْتُ قَبِيْرُكَ لِعَيْنِ اللَّهِ قَالَ
نَعَمْ صَيَانَةُ النَّفْسِ) **ترجمه** حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که ترک
کند شراب خود نرا و لو برای غیر خدا باشد میاشامد اندک مدتی بعد باو در آخرت از
رحیق مخموم یعنی شرابیکه سرپوشش آن از مشک است یا آنکه در آخر شرب بوی
مشک از آن ساطع است راوی در مقام تعجب از این جزاء چون برای غیر خدا
بوده میگوید عرض کردم شراب نخوردنش برای غیر خدا بوده فرمود چنین است لکن

برای حفظ نفس بوده و این برای جزاء کفایت میکند **کافی** در آخر همیشه
 طولانیست میفرماید **عن الباقر** م قال لا يزال العبد في قسحة من الله عز وجل
 حتى يشرب الخمر فإذا شرب بها خرق الله عز وجل عنه سر باله وكان
 وليه وأخوه إبليس لعنه الله ^{معطوف على اخوه} وسمعته وبصره وبذنه ودجله يسوقه
 إلى كل ضلال ويصرفه عن كل خير **بیان** لا يزال یعنی همیشه باقیست
 قسحه یعنی سعد و خوشی در هر امری خرق پاره کردن سر بال لباسی که
 بدن میپوشاند قوله و سمعته سمع معطوف على اخوه و ما بعده من البصر والید
 والرجل کل واحد معطوف على ما تقدم يسوقه المستتر فيه يرجع الى ابليس
 يسوق راندن بطرفیکه مقصود رانده است صرقت منع و جلوگیری از بجا آوردن
ترجمه خبر حضرت امام محمد باقر فرموده بنده کان خدا بهشت در توسعه و خوشی
 و رفاهیت میباشد از همان پیر و در کار عالم مادامیکه شراب نخورده باشد
 پس هرگاه شراب خورد خداوند عالم پاره میکند لباس عزت و جلال او را و دست
 و برادر او میکرد ابليس عليه اللعنه و هم چنین گوش و چشم و دست و پای او
 بشود ابليس و سق و راندن میدد او را بطرف هر ضلالت و کفر و منع میکند
 او را از هر غیر و خوبی **ایضا کافی** از یونس بن قلیان قال قال أبو عبد الله
 بابونش أبلغ عطية عني أنه من شرب جرعة من خمر لعنه الله عز وجل
 وملائكته ورسوله والمؤمنون فإن شربها حتى يسکر منها نزع روح
 الإیمان من جسده و ذکبت فيه روح شقیقة خبیثة ملعونة
 قیتر الصلوة فإذا ترك الصلوة عثرته الملائكة وقال الله عز وجل

له عیدی کفرت وعثرته الملائكة سقوته لك عیدی ثم قال أبو عبد الله
 سقوته سقوته كما تكون السقوة والله لو بیح الجلیل جل اسمه ساعة واحدة
 أشد من عذاب ألف عام **بیان** یونس که راوی خبر است از اصحاب حضرت
 صادق علیه السلام است و لکن نسبت غلو باورده اند و باین جهت غیر ضعیف نموده
 میشود و لکن ضعف خبر بخیر است بوار کردن کلینی را آنرا در کافی و عصبه
 از ظاهر خبر چنین مستفاد میشود که مردی بوده شراب خور نزع قلع و کندن ثقی
 الوح مابدا الحیوة دیگر و یوثق تنخیف ضعیف و ناتوان تقییر سرزنش
 و تقبیح سقوته بدی و بیحی عادت کردن **ترجمه خبر** کلینی در
 روایت میکند از یونس که میگوید حضرت صادق م یمن فرمود ای یونس
 از قول من بعطیه ابلاغ کن کسیکه یکباره شراب بنوشد لعن میکند او را خدا
 و ملائکه و پیغمبران و مؤمنین پس اگر بعد از این بخورد که گشت شود سلب میشود
 از او روح ایمان و سوار میشود بر او روح ناتوان ملعون بلیدی و این شخص
 نماز را ترک خواهد کرد و چون نماز را ترک کند تقبیح و سرزنش میکند او را ملائکه
 پس خداوند عالم میفرماید ای بنده من کافر شدی یعنی مخالفت کردی قول مرا
 و سرزنش کردی تو را ملائکه من بدی با بحال نوای بنده من پس در این مورد
 حضرت صادق م فرمود سقوته سقوته كما تكون السقوة یعنی یکباره بنیاد بدی باد
 بدی باد هم چنانکه میباشد بدی برای او پس فرمود قسم بخدا هر این یک ساعت
 سرزنش پروردگار جلیل شد بدتر و سخت تر است از عذاب هزار سال
ایضا کافی از حضرت صادق م روایت میکند قال الله عز وجل

كُلِّ شَرِبَ وَتَمْدَمَ مِنَ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَتَيْنَ وَأَنَّ الْخَمْرَ دَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ وَشَارِبُهَا مُكَلِّبٌ
يَكْتَابُ اللَّهُ نَعْمَ لَوْ صَدَقَ كِتَابُ اللَّهِ حَرَّمَ حَرَامَهُ **ترجمه** شیخ کلینی قدس
در کتاب کافی نقل میفرماید از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت فرموده شرب
خمر کلبه بر شر و فساد است یعنی مادی که شخص شراب بخورد شر و فساد در
وجود او نیاید و اگر هم باشد پوشیده و پنهان است و اما بعد از آنکه اهل
شراب شد شرور و مفاسد اخلاف که در او نبوده یا مخفی بوده از او ظاهر
و آشکار میگردد و فرمود ادا می دهند به شرب خمر بمنزلت بت پرست میباشد
و شراب سیر همه گناهانست یعنی اگر آن بوجود آید همه گناهان بوجود خواهد آمد
و فرمود خورنده شراب تکذیب کننده است قرآن مجید را یعنی بفعل خود
میگوید قرآن دروغ است چون اگر قصد بقی میکرد قرآن را حرام میکرد و خود
چیز را که در قرآن حرام شده است **تفسیر روح البیان** میفرماید علی علیه السلام
عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ وَقَعَتْ قَطْرَةٌ فِي بَيْتٍ فَبَيِّنَتْ فِي مَكَانِهَا مَنَاسِقَ
لَمْ أَوْذَنْ عَلَيْهَا وَلَوْ وَقَعَتْ فِي عَجْرٍ لَمْ جَفَّ فَنَبَتْ فِيهِ الْكَلَاءُ لَمْ أَرْعِهِ
بیان شراب چاه بحر است و با جفاف خشک شدن نبت روئیدن گیاه کلاه
عین هر گیاهی و حتی چراندن حیوانات **ترجمه** نقل شده از انبیا و مؤمنین علی
که آنحضرت فرموده هرگاه قطره شراب در جاهای بیفتد و بعد از محل آنجا مناره
بنان کنند در آن مناره هرگز من اذان نخواهم گفت و هم چنین هرگاه قطره شراب
میان دریای بیفتد و آن دریا خشک شود و گیاه در محل آن روئیده شود
من حیوانات خود را در آن گیاه را نخواهم چرانید **مؤلف گوید** این کلام

در مقام میالغ در خبالت شراب و تأکید در اجتناب از این شی بدیهی
ایضا تفسیر روح البیان میفرماید در حدیث (من شرب الخمر في الدنيا
سقاؤه الله من سقيم الأساود و سقيم العقارب إذا شربه ذاق طعم و بجه
في الإساءة قبل أن يشرب بها فإذا شرب بها تفتخ لحمة كالجيفة يتأذى به أهل
الموقف و من مات قبل أن يتوب من شرب الخمر كان حقا على الله
أن يبقية بكل جرمه شر بها في الدنيا شر به من صدم بدیهی **بیان**
اساود جمع اسود است و آن مار سیاه بسیار بزرگست اناة ظرف است
تفتخ یعنی فاسد شدن شی چپخته مردار منعفن موقوف عرصه قیامت
صدم بدیهی چرک و خون **ترجمه** در حدیث وارد شده است کسی که در
دنیا شراب بخورد خداوند عالم در آخرت بخوراند با و از زهر مارهای سیاه
بزرگ جسته و از زهر انواع عقرها و این زهر بخوی میباشد که وقتی ظرف
آنرا نزدیک دهن ببرد گوشت صورتش ریخته میشود میان همان ظرف
پس و فتنه بخورد تمام گوشت بدنش کندیده و ریخته میشود و از بوی تعفن آن
اهل محشر را ذیقت افتند و کسی که بمبرد قبل از آنکه از شراب خوردن توبه کند
سزاوار است بر خداوند عالم که بهر جرعه که در دنیا از شراب خورده بکمره
از چرک و خونیک در جهنم است یا بخوراند **امالی** تألیف شیخ معظم ابو علی
ملقب بعبید الله که از علماء قرن پنجم هجری است در کتاب مذکور از پدر بزرگوار
شیخ طوسی ره و او از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل میفرماید قال لا تشربوا
شارب الخمر ولا تزيغوه ولا تنزجوا اليه وإن مريض فلا تعودوه

وَإِنْ مَاتَ فَلَا تُسَبِّحُوا جَنَازَتَهُ إِنْ شَارِبَ الْخَمْرِ يَحْيَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا
وَبَهْمُهُ مُزْرَقَةً مَكْبَنَاهُ مَائِلًا شَدَقَهُ سَائِلًا لِعَابِهِ دَالِ الْعَالِيَانَهُ
مِنْ قَفَاةٍ **بَيَانُ** مُسَوِّدَ سِيَاهُ شَدَقَهُ مُزْرَقَةً جَنَمٌ بَرَكْتُهُ شَدَقَ بَفْعٍ
وَكُسْرٍ وَكُيُونِ دَالٍ كُنْجٍ دَمِنْ لَعَابِ آبٍ دَمِنْ دَالِ لَيْسَانَ كَبِكَ زَبَانِش
بِروْنِ آمَدَه **ترجمه** حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده مجالست و هم نشینی
نکنید با شرابخور و زن ندمید او را و زنم از او نکیرید و اگر مریض شد
عیادت نکنید او را و زمانیکه میرد تسبیح نکنید جنازه او را بدستیکه شراب خور
میباشد در روز قیامت با صورت سیاه در حالتیکه چشمش برکشیده سیاه
بجای سفیدی رفته کنجهای دمنش از میان بطرف بیرون برکشیده آب دمنش
بسین او میریزد زبانش از پشت کردن بیرون آمده باین شکل منحوس
و در صحرائی محشر خواهد گردید **کافی** شیخ کلینی ره روایت میکند از
بار و دین المنذر الکندی که یکی از ثقات اصحاب حضرت صادق علیه السلام است
و نجاشی ره در فهرست در باره او میفرماید ثقة ثقة (قال سمعت أبا عبد الله
يقول حدثني أبي عن أبيه أن رسول الله ﷺ قال مد من الخمر
لعابك وثني قال قلت له وما المد من قال الذي إذا وجد هاشمها
وابضا أبو بصير وابن أبي يعفور قال لا سمعنا أبا عبد الله ﷺ يقول
ليس مد من الخمر الذي يشربها كل يوم ولكن الذي يوطئ فمته
أنه إذا وجد هاشمها **بَيَانُ** مد من الخمر لغة أدامه دهنده بخوردن
شرابست عابد وثن بت پرست مؤلف نفس آماده کننده نفس

ترجمه راوی میگوید شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرمود پدرم
حضرت باقر علیه السلام گفت از پدرش حضرت زین العابدین علیه السلام که پیغمبر خدا فرموده ما و تن
کننده بخوردن شراب مثل بت پرست است راوی میگوید عرض کردم ازین خبر
چه شخصی است فرمود کسی است که هر وقت شراب پیدا کرد بدون مضایقه بخورد
ترجمه خبر ابو بصیر و عبد الله بن ابی یعفور میگویند شنیدیم از حضرت صادق
میفرمود ازین خبر که بمنزله بت پرست است کسی نیست که همه روزه شراب
بخورد و لکن کسی است که مینماید نفس خود را که هر وقت شراب یافت کند
بدون تأمل و تردید بخورد **مؤلف گوید** حمل تشبیه کبک به شراب بخورد
بت پرست در این خبر شریف بر حقیقت در همه آثار در غیر منکر مرست
شراب منعذر است چنانچه مخفی نیست پس حمل میشود بر اقل مراتب تنزیل
که آن مشابهت در عذاب و مماثلت در کیفیت عقاب باشد نعم ما قال
*** بت پرستی ذمی پوستی به *** مراد از عاقلان ذمستی به *****
علل الشریع شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه ره که اشهد فوت شده در کتاب
مذکور روایت میکند از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام که فرموده (حرم الله
عز وجل الخمر لما فيها من الفساد ومن تغیرها عقول شاربيها
وحملها اليها هم على انكار الله عز وجل والفريضة عليه وعلى
دسليه وسائر ما يكون منهم من الفساد والقيل والقدف والزنا
وقلة الاضجار عن شئ من المحارم فذلك لك قضيت على كل منكر
من الاشربة انه حرام محرم لانه ياتي من عاقبت ما يات في الدنيا من

فَلْيَجْتَنِبْ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَوَلَّانا وَيَتَخَلَّ سَوْدَتَنَا
 كُلُّ شَارِبٍ مُسْكِرٍ فَإِنَّهُ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ **بَيَان** فَرِيْقَهُ دَرُوغ و
 افتراء فَكَفَ نَهْمٌ وَنَسَبٌ دَادَن بَدِي **اِشْجَار** غم و اندوه داشتن برای
 يَتَوَلَّانا یعنی داخل در ولایت باشد. **يَتَخَلَّ** یعنی ادعاء میکند عصمت
 علاقه و بستگی بین دو نفر **ترجمه** حضرت ثامن الائمه اَبی الحسن الرضا علیه السلام فرموده
 خداوند عز و جل حرام کرده شراب و تمام مسکرات را بجهت مفاسدی که در آنها
 هست و از مفاسد آن آنست که عقل خورنده را زایل میکند و واسطه دارد آنها را
 بانکار خدا و دروغ بستن بخدا و پیغمبران او و سایر کارهای که از آنها ظاهر میگردد
 از فساد و قتل و نسبتهای ناروا ببنده کائنات خدا و زنا و کم قیدی آنها بخرافات الهی
 پس باین جهت ماحکم کرده ایم از جانب خدای تعالی که هر مسکر و مست کننده
 حرام است بجهت آنکه هر مسکر بهم که غیر شراب است همان اثر شراب را دارد
 پس هر کس ایمان بخدا و اقرار بر روز قیامت دارد و بولایت امامت شود
 و ادعاء میکند دوستی ما را باید اجتناب و دوری کند از شراب خوردن پس
 هر که شراب بخورد علاقه و آشنائی بین ما و بین او نیست در قیامت +
خلاصه عالم جلیل شیخ حر عاملی ره که در سنه ۱۳۰۴ وفات کرده در کتاب مسائل
 از خلاصه شیخ صدوق علیه الرحمة ذکر فرموده **قال رسول الله ص** ثلاثه
 لا یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ مُدْمِنُونَ الْخَمْرِ وَ مُدْمِنٌ سِخْرٍ وَ قاطع سرجیم
 وَ مَنْ مَاتَ مِنْ خَمْرٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ نَهْرِ الْعُطْطَةِ وَ هُوَ نَهْرٌ یَجْرِي مِنْ
 فَرْجِ الْمُؤْمِنَاتِ یُؤْذِي أَهْلَ بَيْتِهِ **بَيَان** مُدْمِنٌ کسی که کاری بیش

عادت او باشد مؤمنات زنهای زانیه **ترجمه** پیغمبر فرموده اند سه طائفه
 هستند که آنها داخل بهشت نخواهند شد یکی کسی که همیشه شراب بخورد و دیگر
 کسی که دائماً سحر باشد یعنی ظاهر کند چیزی را که واقعیت نداشته باشد و محض
 صورت باشد و دیگر کسی که قاطع رحم باشد یعنی از اقوام و خویشان خود قطع
 نرود و تفقد و احسان کرده باشد و فرمود کسی که از جهمت خوردن شراب ببرد
 میاشا مانند خدای تعالی با او از هر یک اسم آن غوطه است و این نهر از فرج
 زنهای زنا کار جاری میشود و بوی آنها بانده کند و بقدری منعقد است
 که اهل جهنم از آن بود در آزار و اذیت میباشند **احتجاج** عالم جلیل احمد
 بن علی بن ابی طالب الطبرسی قدس که در قرن ششم از هجرت از دنیا رفته
 و معاصر با طبرستان صاحب مجمع البیان بوده در کتاب فوق الذکر از حضرت صادق
 این خبر را نقل فرموده **إِنَّ دَنْدِيْقًا قَالَ لَهُ** فَلِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَاللَّذَّةَ
 أَفْضَلُ مِنْهَا قَالَ حَرَّمَهَا لِأَنَّهَا أُمُّ الْغَبَائِثِ وَ رَأْسُ كُلِّ شَرٍّ يَأْتِي
 عَلَى شَايِبِهَا سَاعَةً يَسْلُبُ لُبَّهَ فَلَا يَعْرِفُ دَبَّهَ وَلَا يَتْرُكُ مَعْصِيَةً
 إِلَّا ذَكَبَهَا وَلَا مَعْرَمَةً إِلَّا أَنْتَهَكَهَا وَلَا رَحِمًا مَأْسَةً إِلَّا قَطَعَهَا وَلَا
 فَاحِشَةً إِلَّا أَتَاهَا **وَالسَّكَرَانُ** مِنْ مَأْمُومَةِ بَيْدِ الشَّيْطَانِ إِنَّ
 أَمْرَهُ أَنْ يَسْجُدَ لِلْأَوْتَانِ سَجْدَةً وَيَنْقَادَ حَيْثُ مَا قَامَ **بَيَان**
 دَنْدِيْقٍ دهری غریب در حدیث وارد شده الزنا و قد هم الدهریه الذین
 یقولون لا رب ولا جنه و لا نار و ما بهکذا الله دهر و معنی لغوی آن کسی است که در میان
 کافر و منافق با ایمان باشد لُبُّ الْإِنْسَانِ عقله ذَکَبَهَا ای از کبها انتهک الحرامه

بجا آورد و حرام را **سَرِیاً** مآشده خبیثان نزدیک و **زَمَامَ** بکسر زای افسار یک
در کردن اندازند اَوْتَان جمع وُتْن میباشد یعنی بُت مُتَفَاد مطیع شدن
تولیم انقاد لغلان ای خضع له و ذل قائلد گشایند **تَرْجِمَه** طبری ره در کتاب
احتجاج از حضرت صادق ع نقل میفرماید که شخصی دهری مذهب عرض کرد بخیر
صادق ع بجهت خداوند شراب را حرام کرده و حال آنکه لذت بهتر از آن میباشد
حضرت در جواب فرمودند حرام کرده خدای نعم شراب را بجهت آنکه اَمَّ الْغِبَاث است
یعنی همه بدبها از آن تولید میشود و بالا ترین همه شراب میباشد و کسیکه شراب
مبنورد ساعتی بر او داخل میشود که عقل او زایل میگردد پس نمیشناسد در این
وقت هرورد کار خود را و نمیکزرد بر معصیتی مگر آنکه آنرا مرتکب میگردد و نداند بر هر
مگر آنکه بجای آورد آنرا و نیست خبیث نزدیک برای او مگر آنکه قطع میکند صلوة
با او را و نیست هیچ کار زشت و قبیحی مگر آنکه بر اموان آن میگردد شخص مست
افسار او بدست شیطان است اگر امر کند او را که سجده کند برای بتها سجده خواهد کرد
و اطاعت میکند شیطان را در هر راهی که او را بطرف آن راه بکشاند **کافی**
شیخ جلیل محمد بن یعقوب الکلیله که در ۳۴۹ هجری از دنیا رفته در کتاب مذکور
و شیخ طوسی ره که در ۳۸۰ هجری فوت شده در **تهذیب** میفرماید (عن أبي عبد الله
عليه السلام قال من شرب النبيك على انه حلال خلد في النار ومن
شربه على انه حرام عذب في النار) **بیان** تنبیذ شراب است از هوا باشد
با انکسور یا کشش یا کندم یا جو یا از غیر اینها خلد فی النار یعنی همیشه در آتش
و صبیح است بشده بد لام مجهولاً و تخفیفها معلوماً بقال خلد من باب التفعیل ای جعل

خالداً و خلد کضرب ای دام **تَرْجِمَه** از حضرت صادق ع روایت شده که
فرمودند کسیکه شراب بخورد و آنرا حلال بداند یعنی منکر حرمت آن باشد همیشه
در آتش است و کسیکه بخورد و لکن آنرا حرام بداند یعنی اقرار بحرمت آن
داشته باشد محله در آتش نیست لکن او را در آتش عذاب خواهند کرد
نا پاک شود **و سائل** عالم جلیل شیخ حر عاملی ره نقل میکند از زراره و او
از حضرت امام جعفر صادق ع قال شارب المسكر لا عصمة له بيننا وبينه
بیان زراره از اجله و ثقات اصحاب حضرت صادق ع است عصمت
علاقه و بستگیست که بین دو نفر میباشد **تَرْجِمَه** زراره میگوید که حضرت
صادق ع فرمودند کسیکه مسکر یعنی شراب بخورد از ما بیکانه است و هیچ
علاقه و آشنائی بین ما و بین او نیست **مقابل اعمال** شیخ صدوق محمد بن
علی بن بابویه قدس میفرماید (عن أبي عبد الله ع عن النبي ع قال ينجي ثلث
الحري المسكر يوم القيامة من رقة عيناه مسوداً وجهه ما لا شفقه
يسيل لعابه مشدوداً ناصيته الى ايهام قد مبه خاباً ياء من
صليه فيفرغ منه اهل الجمع اذا ذكوه مقبلاً الى الحساب) **بیان**
مُرْدَقَةُ الْعَيْن کسی سنگ چشمش بر گشته و سفیدی آن بجای سیاهیش
مُسَوْدَةُ الْوَجْهِ کسیکه صورتش سیاه شده ما ثَلُ الشَّقَةِ کسیکه لبش بر گشته
مَبْلَانْ لَعَاب جریان آب دهان شد بسن بطور محکم ناصیه پیشانی
ایهام القدم انگشت بزرگ پای صُلْب استخوان ممتد بین کتفین
که آنرا فقر گویند قَرَعَ فریاد و خروش از مشاوده امر هولناک **تَرْجِمَه**

شیخ صدوق ره کرد در ۳۸۱ هجری از دنیا رفته و در کتاب عقاب الاعمال روایت
میکند از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت فرموده کسی که بهشت شراب خور باشد
وارد جشود در عرصه قیامت در حالتیکه چشمهای او برکشته و سفید بش
بجای سبزه آید و صورتش سیاه شده باشد و لبهایش برکشته باشد
آب دهانش جاری بزرخ و سینه اش پشته او محکم بسته شده باشد و انگشت
بزرگ پایانش دستهای او از بین کفین او بیرون آمده باشد باین بهشت قبیح
برای حساب اعمال خود میرود چون اهل محشر این بهشت را بینند از هول وراس
فریاد و خروش از آنجا بلند میگردد **عقاب الاعمال** شیخ صدوق محمد بن علی بن
بابویه قدس سره میفرماید (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَذْخَلَ عِرْقًا مِنْ عُرْوَةٍ قَلِيلٍ
مَا أَسْكُرَ كَثِيرُهُ عَذَابَ اللَّهِ عَنْ وَجَلِ ذَلِكَ الْعِرْقِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَسِتِّينَ نَوْمًا
مِنَ الْعَذَابِ) **بیان** عرق رک بدن و عروق جمع آن میباشد **ترجمه** شیخ
صدوق ره در کتاب عقاب الاعمال روایت میکند که پیغمبر فرموده کسی که
داخل کند در رک از رگهای بدن خود قلیلی از چیزیکه زیاد آن سستی میآورد
عذاب میکند خداوند عز و جل همان رک را بصد و شصت نوع از عذاب
من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه ره در کتاب مذکور در
وصایای پیغمبر با میر المؤمنین میفرماید (أَنْتُمْ قَالَهُ بَاعِلٌ كُلِّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ
وَمَا أَسْكُرَ كَثِيرُهُ فَالْجَزَاءُ مِنْهُ حَرَامٌ بَاعِلٌ جُعِلَتْ لَذَنُوبُ كَلِّهَا بَيْتٌ
وَجُعِلَ مَقَامُهَا شَرِبَ الْخَمْرِ بَاعِلٌ يَأْتِي عَلَى شَارِبِ الْخَمْرِ سَاعَةً لَا يَعْرِفُ
فِيهَا زَبَدَةً) **بیان** جرعه ثلاث درجیم مقدار است که در دهان بکشد

وفرو برد آنرا **ترجمه** شیخ جلیل القدر صدوق ره در کتاب من لا یحضره الفقیه
که نزدیک به هزار سال است نوشته شده بنوب و در جزء وصیتهای پیغمبر صلی الله
با میر المؤمنین علیه السلام که آنحضرت فرمودند باطل هر سکری حرام است و هر مشربیکه
زیاد آن مستی بیاورد جرعه هم از آن که سستی نیاورد حرام است باطل همه
معصیتها مثل آنست که در یکجا جمع اند و قفل پذیر آن زده شده و کلبه
آن قفل خوردن شراب است یعنی بعد از خوردن شراب هر گناهی را مرتکب
خواهد شد باطل خورنده شراب ساعتی برای او هست که در آن ساعت
خدا را نمیشناسد **مقابل اعمال** شیخ جلیل القدر صدوق ره در کتاب
مذکور روایت میکند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام (قَالَ أَكُلُ الرِّقِّ فِي الدُّنْيَا
مِنَ الْمُسْكِرِ مِثْلُ ثَوْنٍ عَطَاشًا وَيَتَشَرَّبُونَ عَطَاشًا وَيَكُونُ النَّارُ عَطَاشًا
بیان الرِّقِّ الشرب عَطَاشٌ بکسر عین جمع عطشان است بنشدن **ترجمه**
شیخ صدوق ره در کتاب عقاب الاعمال روایت میکند از حضرت امام جعفر صادق
که آنحضرت فرموده کسانی که در دنیا شراب بخورند میمیرند در حالتیکه نشسته
باشند و محسوس میشوند در قیامت در حالتیکه نشسته باشند و داخل میشوند
در آتش در حالتیکه نشسته باشند **کافی** شیخ جلیل القدر محمد بن یعقوب کلینی ره
که در ۳۲۹ هجری از دنیا رفته در کتاب مذکور روایت میکند از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام (قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ غَارِسَاتٍ وَحَارِسَاتٍ
وَعَاصِرَاتٍ وَشَارِبَاتٍ وَسَاقِيَاتٍ وَحَاطِلَاتٍ وَالْمَعْمُولَةَ إِلَيْهِ وَآيَاتِهَا
وَمُشْتَرِبَاتٍ وَآكِلَاتٍ مِنْهَا) **بیان** غارِسَاتٍ کسی که موشاند برای آنکه

انگور آنرا شراب کند حادسها یعنی حافظ و نگهبان آن عاصها یعنی
 فشارنده آن شاربها خورنده آن گنیمها بول شراب **ترجمه** شیخ
 کلینی ره در کتاب کافی روایت میکند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که آنحضرت
 فرموده که پیغمبر خدا ص در مورد شراب ده نفر را لعن فرموده اول کسی که بگوشت
 برای آنکه انگور آنرا شراب کند دویم کسی که حافظ و نگهبان گوشت انگورش باشد
 سقم کسی که فشار دهد انگور بر آنکه شراب شده است چهارم خورنده شراب
 پنجم ساقی شراب ششم آورنده شراب یعنی فرمان بر هفتم کسی که شراب را
 برای او میاورند هشتم فروشنده شراب نهم مشتری شراب یعنی خریدار آن
 دهم کسی که بول شراب را مصرف میکند **مستدلک** حاجی نوری اعلی الله تعالی
 در کتاب مذکور از فقہ الرضا نقل میکند این خبر را (واعلم ان شارب الخمر
 كَعْبَةِ الْاَوْنَانِ وَكُنَاجِ اَمَةٍ فِي حَرَمِ اللَّهِ وَهُوَ يَحْشُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ
 الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالَّذِينَ اَشْرَكُوا اُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ
 اَلَا اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ وَاعْلَمْ اَنَّ مَنْ شَرِبَ الخمر
 قَدْ حَاوَا وَاحِدًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَواتُهُ اَرْبَعِينَ يَوْمًا وَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا
 فَلَيْسَ لَهُ فِي الْاِيْمَانِ حَظٌّ وَلَا فِي الْاِسْلَامِ لَهُ نَصِيبٌ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ
 الصَّرْفُ وَلَا الْعَدْلُ وَهُوَ اقْرَبُ اِلَى الشِّرْكِ مِنَ الْاِيْمَانِ خُصَّاءُ اللَّهِ
 وَاعْلَمْ اَنَّ فِي اَرْضِهِ شَرِبَ الخمرِ وَالزُّنَاتُ فَإِنَّ مَاتَ فِي اَرْبَعِينَ يَوْمًا
 لَا يَنْظُرُ اللَّهُ اِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُ وَلَا يُرْكَبُ وَلَا يَدْخُلُ عَذَابُ الْاَلِيمِ
 وَلَا يَقْبَلُ تَوْبَتَهُ فِي اَرْبَعِينَ وَهُوَ فِي النَّارِ لَا شَكَّ فِيهِ اِلَّا نَالَ ذَاقَ آتَهُ

حَرَّمَ الخمر لما فيها من الفساد و بطلان العقل في العقاب و ذل هذا
 الحياء من الوجوه **بیان** حزب اتحاد جماعتی از مردم و حزب الشیطان ^{خو}
 لا يقبل منه الصرف ولا العدل ای لا یقبل منه نافر ولا فریضه خصوصاً جمع خصیم
 بمعنی مخاصم ای المنازع و المجادل العدل جمع عدو یعنی دشمن **ترجمه** در کتاب
 منسوب بحضرت رضا علیه السلام است که آنرا فقہ الرضا میگوید از جامع بنابر الخبر
 میفرماید (بدان بدرستی که خورنده شراب مثل بنت پرست است و مانند
 کسی است که زنا کند با مادر خود در حریم خدا یعنی کعبه مبارک و شخص شراب خور
 محشور میشود در روز قیامت بایهود و نصاری و مجوس و مشرکین و شراب
 خواران لشکر شیطان میباشد و آگاه باشید که لشکر شیطان هلاک شوند اند
 و بدان بدرستی که هر کس یکجام شراب بخورد قبول نمیکند خداوند عالم نماز او را
 ناچهار روز و هرگاه از اهل ایمان باشد نیست برای او در ایمان نصیبی
 و نه در اسلام قسمتی قبول نمیشود از او نه واجب و نه مسجعی و این شخص
 نزدیکتر است بشرک از ایمان نزاع کننده اند با خدای عالم و دشمنان خدا
 هستند در زمین خدا شراب خور را و زنا کار را اگر ناچهار روز بعد از ارتکاب عمل
 بمیرند نظر نمیکند خدای تعالی بسوی آنها در روز قیامت و تفضل در باره آنها نبوت
 و آنها را پاک و پاکیزه نخواهد فرمود و برای آنها است عذاب دردناک و از وقت
 خوردن شراب ناچهار روز توبه شراب خور قبول نمیشود و شخص شراب خور
 در آتش است بدون شک و شبهه تا آنجا که فرمود بدرستی که خداوند عالم
 حرام کرده شراب را بعلمت چیزیکه در آن مست از فساد و از ضایع کردن

عقلی که حقایق بآن فهمیده بشود و بعقل آنکه جیاه انسان را از صورتش مبرور
مستدرک ایضا حاجی نوری علیه الرحمة در کتاب مذکور میفرماید (وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)
 لِأَهْلِ الشَّامِ وَاللَّهُ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ
 ثُمَّ صَبَّ عَلَيْهِ الْحَمْرُ يَا فِي كُلِّ حَرْفٍ بَوْنُ الْقِيَامَةِ فَيُخَاصِمُهُ بَيِّنَاتٍ يَدْعِي اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ كَانَ لَهُ الْقُرْآنُ خَصْمًا كَانَ اللَّهُ لَهُ خَصْمًا وَمَنْ كَانَ اللَّهُ
 لَهُ خَصْمًا كَانَ فِي النَّارِ **توجه** مرحوم حاجی محمد باقر در کتاب مستدرک
 این حدیث شریف را از پیغمبر اکرم ص نقل میفرماید که آنحضرت فرموده بآهل شام
 قسم بخدا اینک بحق مرا مبعوث کرده کسب آیه از قرآن در سینه اش حفظ داشته
 باشد پس شراب بر روی آن بریزد در قیامت هر حرفی از آن متکلم بشود
 و در محکمه عدل الهی با او محامد و مجادله میکند و کسی قرآن خصم او باشد خدا
 خصم او است و کسی که خدا خصم او باشد جای او در آتش است **مؤلف گوید**
 که این حدیث بالاتزام دلالت دارد که بعد از آواز نبوت پیغمبر جماعتی از
 اهل شام آمده اند خدمت آنحضرت برای ملاقات و سؤالاته و آنرا که او را
 از بعضی سؤالات آنها مناسب سؤال این جمله را در جواب فرموده است
مستدرک مرحوم حاجی نوری قدس این حدیث را ایضا در کتاب مذکور از پیغمبر اکرم
 نقل میفرماید (وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) حَلَفَ رَبِّي بَعَثَنِي بِهِ وَجَلَّالَهُ لَا يَشْرِبُ
 عَيْدٌ مِنْ عِبَادِي جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ إِلَّا سَقَيْتُهُ مِنْهَا مِائِينَ الصَّدِيدِ يَغْفُورُوا
 كَانَ أَوْ مَعْتَابًا وَلَا يَنْزِلُهَا عَبْدٌ مِنْ خَافَتِي إِلَّا سَقَيْتُهُ مِنْهَا مِائِينَ خِيَا
 الْقُدْسِ) **بیان** جرعه یک بلع از هر آشامیدن است صد پدید هر جرعه خون
 جیاض

جیاض جمع حوض قدس بهشت **توجه** پیغمبر فرمود هر روز کار من
 قسم باد فرموده بعزت و جلال خودش باینکه نمی آشامد بنده از بنده کان من
 جرعه از شراب مگر آنکه میاشامم با و مثل آنرا از چرک و خون خواهد آهرزیده
 شده باشد و خواه آهرزیده نشده و معذب باشد و ترک نمیکند شراب را بنده
 از ترس و خوف من مگر آنکه میاشامم با و از حوضهای بهشت که مراد طوبی
 و سلسبیل است **مستدرک** معنی نماند اینک در فصل دوم که در مضرات خمر است
 بمناسبت مقام یکجمله از این حدیث که نوشته میشود منقول گردید و وعده آن
 دادیم که حدیث را تمام بعد از ذکر کنیم و آن اینست مرحوم حاجی نوری اعلی استقامت
 در کتاب مذکور میفرماید (وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ الْعَبْدُ إِذَا شَرِبَ
 شَرْبَةً مِنَ الْخَمْرِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ الْأَوَّلُ قَسَاوَةٌ قَلْبِهِ
 وَالثَّانِي تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ وَالثَّلَاثُ تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ وَالثَّلَاثُ تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ
 تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ وَالثَّلَاثُ تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ وَالثَّلَاثُ تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ
 الْجَبَلُ جَبَلٌ نَبِيلٌ وَالثَّلَاثُ تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ وَالثَّلَاثُ تَبَرُّعٌ مِنْهُ جَبَلٌ نَبِيلٌ
 النَّارُ كُلَّمَا أَدَاوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أَعْبَدُوا فِيهَا وَقَبِيلُ لَهْمُ ذَوْقُوا
 عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَلْعَنُونَ **بیان** قساوۀ بهرحمی و به عاطفه که
 و دل سختی برآشته بیزاری جستن مأوی من و منزل ذوق جستن **توجه**
 از رسول خدا نقل شده است که آنحضرت فرمودند شخص هرگاه شراب بخورد
 خدای عالم مبتلا میکند او را به پنج معقوبه اول آنکه نفسی القلب میشود یعنی زخم
 و به عاطفه و سخت دل میگردد دوم آنکه بیزاری میجویند از او بر نبل و میکانیل

و اسرافیل و سایر ملائکه جمیعاً سَوم آنکه بیزاری میجویند از او تمام انبیاء و جمیع
 ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین چهارم آنکه بیزاری میجوید از او ذات الله
 جلّت عظمتش پیغم آنکه داخل در فراق میشوند و خداوند عالم در باره فراق
 در قرآن مجید میفرماید **وَأَمَّا الَّذِينَ فَتَقُولُوا لَمْ يَكُنْ** یعنی و اما شما صبیح فاسق زاده
 مکان و منزل آنها در آتش است هر وقت اراده کنند که از آتش بیرون
 روند مقداری برآید که قدم برای بیرون رفتن برداشته اند باز بر میگرددند بدون
 اختیار بجا نیک در اول داشته اند و مالک و زرخ با آنها میگوید که بایر ویدیدید
 عذاب آتش را که بودید انکار میکردید این عذاب را **ادشاد دلیلی** تألیف
 شیخ عظیم الشأن حسن بن ابی الحسن الدلیلی علیه الرحمة تاریخ فوت این عالم
 جلیل بالخصوص معلوم نیست و لکن ظاهراً از علماء مشنصه از حبر نبوده
 چون شیخ این فهد در کتاب عده الداعی از او نقل میکند و این فهد و مقصد
 پنجاه و هفت متولد شده و در مشنصه و چهل و یک وفات نموده غرض در باب
 از ارشاد میفرماید **(وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ** یعنی امیر المؤمنین **إِذَا مَاتَ شَارِبُ الْخَمْرِ**
عُرِجَ بِرُوحِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَنَعَهُ الْحَفَظَةُ يَقُولُونَ رَبَّنَا عَسَى أَنْ
فَلَا نَمَاتَ وَهُوَ سَكْرَانٌ فَيَقُولُ اللَّهُ نَعَمْ اِجْعَالِي قَبْرَهُ وَالْعَاهُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ) ترجمه عالم جلیل حسن بن ابی الحسن الدلیلی ره در باب پنجاه و یک
 از ارشاد نقل میفرماید از امیر المؤمنین که آنحضرت فرموده شرابخور هرگاه
 در حال سستی بمیرد و ولی که حفظ او کنند و در هر شب و روز با او بجا باشد
 روح او را بالا ببرند تا آسمان هفتم پس عرض میکنند پروردگار اهلان بنده تو

مرد در حالت نیک است بوده خطاب بشود بآن دو ملک برگردد بدی بسوی قبر او
 و کارشما لعن بر او باشد تا و فیکر روز قیامت بر پا شود **مستند** **له** قال
رَسُولُ اللَّهِ مَثَلُ شَارِبِ الْخَمْرِ كَمَثَلِ الْكَبْهَيْتِ فَأَحَدُهُ لَا يَنْتَقِمُ
 كَمَا يَنْتَقِمُ الْكَبْهَيْتُ فَإِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ يُصْبِحُ وَيُمْسِي فِي سَخَطِ اللَّهِ لَا يَنْتَقِمُ
 عَلَى ظَهْرِهِ إِلَّا دُخِيَ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ **بیان** **الشن** هو
 الرأحة العجیبه **ترجمه** موم حاجی نوری قدس در مسند رک بنویس که پیغمبر خدا
 فرموده مثل خورنده شراب مثل کوکود است پس دوری کنبه از او مبادا
 بوی بد و خوی زشت او بشما برسد بوی او و نزدیک شدن با و مثل بوی
 کوکود و نزدیک شدن دهن و دماغ است بد و د کوکود که هرگاه به شما برسد
 مجاری تنفس را فاسد و ضیق النفس عارض و بسا شعله آن سرایت کرده
 و جلیس بجایه را بهلاکت برساند پس فرمودند که شرابخور بد رستبیک صبح
 و شب میکند در سخط و غضب خدای نعم و راه نمیرود در روی زمین کسبیک
 مبعوض نر باشد پیش خدای عالم از شخصیک شراب خور باشد **مستند** **عاجی**
 نوری ره در کتاب مذکور میفرماید **(وَقَالَ** **مُجَاوِرَةُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى خَبْرٌ**
مِنْ مُجَاوِرَةِ شَارِبِ الْخَمْرِ وَلَا تُصَادِقُوا شَارِبَ الْخَمْرِ فَإِنَّ مُصَادَقَتَهُ تَلَامَةُ
بَيَان **مُجَاوِرَتِهِ** مسا به شدن مُصَادَقَتِ دوست و رفیق شدن **ترجمه**
 پیغمبر خدا فرموده مسا یک با یهود و نصاری بهتر است از مسا یک با شراب خور
 و با شرابخور دوستی و رفافت نکنید بد رستبیک رفافت با آنها بشما و تا
 و حسره است **مستند** **بضا** حاجی نوری رحمه الله بنویس **مستند** **عاجی** **مستند** **عاجی**
 و قال امیر المؤمنین

مُصَادَقَةُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى خَيْرٌ مِنْ مُصَادَقَةِ شَارِبِ الْخَمْرِ وَمَنْ صَافَحَ
 شَارِبَ الْخَمْرِ كَتَبَ عَلَيْهِ خَطِيئَتُهُ **ترجمه** امیرالمؤمنین فرموده دوستی
 و رفاقت با یهود و نصاری بهتر است از دوستی و رفاقت با شراب خور
 و کسی که مصافحه کند با شرابخو یعنی دست به دست او بدهد نوشته میشود
 بر او گناهی مثل گناه شرابخو **در شادی و بلی** شیخ جلیل حسن بن ابی العسکری
 که از علماء مشتهر از هجرت بوده در باب ۱۵ از کتاب مذکور معنوبه
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ دَنَى بِأَمْرٍ نَفَخَ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ وَمَنْ شَرِبَ
 الْخَمْرَ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَفْطَرَ بَوَاقِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَرَجَ
 مِنَ الْإِيمَانِ **ترجمه** حضرت امام جعفر صادق فرموده اند کسی که زانگه
 باز نه خارج میشود از ایمان و کسی که شراب بخورد خارج میشود از ایمان
 و کسی که عصبانا و بدون عذر افطار کند یکروز از ماه مبارک رمضان را
 خارج میشود از ایمان **مجموعه و تراجم** نقل شده از شیخ جلیل ابوالمحسن *
 و تراجم الحلی ره که در ششصد و پنجاه جری در حد از دنیا رفته و از علماء بزرگ
 و زمانه عصر بوده در باره اوستید بن طاووس قدس در فلاح السائل فرموده
 که جدم و تراجم بن ابی فراس قدس مرادش جداقی است وصیت کرد که وقتی
 فوت شود نیکینی از عقیق که اسامی ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین
 بر آن نقش شده باشد در دامن او بگذارد و دفنش نمایند این شیخ در کتاب
 تنبیه الخواطر معروف بمجموعه و تراجم میفرماید **و ترجمه** (مَنْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ
 فِي جَهَنَّمَ وادياً يَأْتِي غَيْثٌ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ
 وَفِي ذَلِكَ

وَفِي ذَلِكَ الْوَادِي يَكْتُمُ مِنَ النَّارِ وَفِي ذَلِكَ الْبَيْتِ جُبْتُ مِنَ النَّارِ
 وَفِي ذَلِكَ الْجَبْتُ تَابُوتٌ مِنَ النَّارِ إِلَى آخِرِ الْحَدِيثِ قَالَ أَنْتَ قُلْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 إِنَّ يَكُونُ هَذَا الْعَذَابُ قَالَ لِشَارِبِ الْخَمْرِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ وَتَارِكِ الْقُرْآنِ
بیان وادی زمین و بیع جُبْتُ چاه تَابُوتٌ صندوق **ترجمه**
 شیخ جلیل و تراجم بن ابی فراس الحلی در کتاب خود نقل نموده از رسول خدا
 که فرموده بد رستگید در جهنم زمینی هست که عذاب در آن زمین بطوری
 شدید است که اهل جهنم روزی هفتاد هزار بار از آن آزار آن طلب
 فریاد رس میکنند و در آن زمین خانه هست که از آتش است و در
 این خانه چاهی هست از آتش و در این چاه صندوقی هست از آتش
 تا آخر حدیث که میفرماید در این وقت انس بن مالک عرض کرد یا رسول الله
 این عذاب و این مکان برای کیست فرمود برای خورنده شراب از
 اهل قرآن و کسانی که نماز نمیخوانند از مسلمانان **مجموعه و تراجم** ابی نفل
 شده از کتاب مذکور این حدیث شریف (وَعَنِ النَّبِيِّ ع قَالَ جَانِبِي
 جَبَلٍ ثَبَلٍ مِّنْ مَّنْعَةِ اللَّوْنِ فَقُلْتُ يَا جَبَلُ ثَبَلٍ مَا لِي أَدَاكَ مَنْعَةَ اللَّوْنِ
 قَالَ إِبْلَعْتُ فِي النَّارِ قَرَأَيْتُ وَادِيًا فِي جَهَنَّمَ يَغْلِي فَقُلْتُ يَا مَالِكُ
 لِمَنْ هَذَا فَقَالَ لِثَلَاثٍ نَفَرٍ لِلْمُحْتَكِرِينَ وَالْمُذْمِنِينَ الْخَمْرَ وَالْقُرْآنَ
بیان وادی مجرای آب زیاد پس اتساع در آن داده و استعمال شده
 در آب جاری غلی بغض غبن و سکون لام جوشیدن بشدت **ترجمه** ایستادار حسن
 از زانق با انتظار کران شدن قیمت مُذْمِنُ الْخَمْرِ ادا دهنده در خوردن

قَوَادِ بَفَحِ اَوَّلَ وَنَشِدَ ثَانِي كَسْبَتِكَ جَمْعُ بَيْنِ زَنٍ وَمَرْدٍ بِحَرَامِ **تَرْجِمَهُ**
 شيخ جليل و آرام بن ابی فراس حله ره در مجموعه خود نقل فرموده این حدیث
 شریف را از پیغمبر که فرموده وارد شد بر من جبرئیل در حالتیکه رنگ او
 متغیر بود گفتم جبرئیل چه شده که تو را بارنگ متغیر می بینم عرض کرد
 یا رسول الله نظرم افتاد بجهنم در آنجا دیدم نهر آبی که آب آن در شدة
 جوش و فوران بود از مالک دوزخ پرسیدم این آب برای چه اشخاصی
 میباشد گفت برای سه طائفه یکی اشخاصیکه از زنا مردم را نگاه میدارند
 برای آنکه آنرا بقیعت کران بفرورسند در حالتیکه مخلوق محتاج بآن مستند
 و او را محکم میکوبند و دیگر کسبیکه همیشه شراب بخورد و او را زمین میسکوبند
 و دیگر کسبیکه جمع کند بین زن و مردی بحرام که او را بعره قواد کوبند
مُتَدَلِّك حاجی نوری رضوان الله علیه در کتاب مذکور نقل می نماید
 این خبر شریف را (قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا تَجَالِسُوا مَعَ شَارِبِ الْخَمْرِ وَلَا تَعُوذُوا
 مِنْ ضَرَرِهِمْ وَلَا تَقْتُلُوا جَنَازَتَهُمْ وَلَا تَصَلُّوا عَلَى أَمْوَالِهِمْ فَإِنَّهُمْ كِلَابٌ
 أَهْلُ النَّارِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اِخْسَتُوا فِيهَا وَلَا تَكْلُمُونَ **بَيَانُ**
 اِخْسَتُوا یعنی دور شوید و استعمال این لفظ در مورد دور کردن سگ است
 بقال خَسَأَ الْكَلْبُ إِذَا طَرَدَهُ **تَرْجِمَهُ** پیغمبر اکرم ﷺ فرموده اند مجالست
 و هم نشینی نکند با شرابخور و در وقتیکه مرخص شوند عبادت نکند از آنها
 و زمانیکه بمیرند تشییع نکند جنازه آنها را و نماز میت بر جنازه آنها نخواند
 پس بدستیکه آنها سگهای اهل جهنم میباشند و خداوند عالم درباره آنها

در قرآن میفرماید اِخْسَتُوا وَلَا تَكْلُمُونَ یعنی وقتیکه از شدت عذاب
 بمالک دوزخ التماس و التجا کنند برای تخفیف عذاب مالک آنها را
 دور میکند بلفظیکه سگ را دور میکند و میگوید با من تکلم نکنید
مؤلف گوید ظاهر این حدیث در باره کسی است که شراب خمر کند و بعلوه
 منکر حرمت شراب هم باشد بفریب و لا تَصَلُّوا عَلَى أَمْوَالِهِمْ **مجموعه و دام**
 نقل شده این حدیث شریف از کتاب مذکور عن رسول الله إذا كان
 يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَكُنْ أَعْمَلُ فِي قَبُولِ جِبْرِائِيلُ يَأْتِي أَعْمَلُ الْقَائِمِ
 فَأَكُنْ أَعْمَلُكَ فَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ أَكُنْ أَصْحَابُ الْخَمْرِ أَكُنْ الَّذِينَ كَانُوا
 يَهْبِسُونَ سَكَارَى أَكُنْ الَّذِينَ كَانُوا يَسْخَرُونَ مِنْ رُوحِ الْحَادِثِمْ فَيَقْرَأُ لَهُمْ
 قَع (الشَّابِطِينَ) **بَيَانُ** يَهْبِسُونَ یعنی شراب صبح میاوردند بقرینهم یعنی
 ردیف و هم نشین میکنند آنها را قَرْنُ الشَّيْءِ بِالْشَيْءِ إِذَا شَدَّ بِهِ وَوَصَلَ إِلَيْهِ
تَرْجِمَهُ پیغمبر اکرم ﷺ فرموده چون روز قیامت شود منادی از جانب
 پروردگار ندا کند گویاند دشمنان من پس جبرئیل عرض کند پروردگار
 دشمنان تو زیاد است مقصود چه طائفه است پس ندا میرسد گویاند
 شراب خور گویاند اشخاصیکه شراب صبح میاوردند در حالتیکه مست
 و لا یعقل بودند گویاند اشخاصیکه زنا کار بودند پس امر میشود که این
 دو فرق را با شباطین ببندند و در یک ردیف بیرون بیاورند
مُتَدَلِّك حاجی نوری علیه الرحمة در کتاب مذکور نقل می نماید این حدیث
 عن النبي ﷺ أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَطْعَمَ شَارِبَ الْخَمْرِ لَقَمَةً سَلَطَ اللَّهُ عَلَى جَبَدِهِ

حَيَّةٌ وَعَفْرَاءٌ وَمَنْ قَضَىٰ حَاجَتَهُ فَقَدْ أَعَانَ عَلَىٰ هَذِهِ الْإِسْلَامَ وَمَنْ
 أَقْرَضَهُ فَقَدْ أَعَانَ عَلَىٰ قَتْلِ مُؤْمِنٍ وَمَنْ جَالَسَ حَشْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَعْنَى لَا حَاجَةَ لَهُ وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَلَا تُنْقِضُوهُ وَإِنْ مَرِضَ فَلَا تُعَوِّدُوهُ
ترجمه پیغمبر اکرم ص فرموده اند کسیکه یک لقمه طعام بشرب خورده و مست میکند
 خداوند عالم بر بدن او مار و عقرب را و کسیکه حاجتی برای او برآورده کند پس
 بتحقیق نمک کرده بر خراب کردن دین اسلام و کسیکه فرض بدو بشخص شراب
 خوار پس بتحقیق معین شده است بر کشتن مؤمن و کسیکه مجالست کند
 با شراب خور خداوند عالم وارد میکند او را در محشر در روز قیامت در حالی که
 کور و نابینا باشد و عذری هم برای او نباشد و فرمود کسیکه شراب بخوار باشد
 زن باو ندهد و اگر مریض شد از او عیادت نکند **مسند** ابی حنیفه
 حاجی نوری اعلی الله مقامه در کتاب مذکور این خبر را از پیغمبر ص نقل میفرماید
 قَالَ مَنْ مَاتَ سُكَرَانًا عَايَتْ مَلَكَ الْمَوْتِ سُكَرَانًا وَدَخَلَ الْقَبْرَ سُكَرَانًا
 وَبُوقُفُ يَتَىٰ إِلَهِ اللَّهِ سُكَرَانًا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَا لَكَ فَيَقُولُ
 أَنَا سُكَرَانٌ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِهَذَا أَمَرْتُكَ إِذْ صَبَا بِهَذَا إِلَىٰ سُكَرَانٍ فَيُدْعَبُ
 إِلَىٰ جَبَلٍ فِي وَسْطِ جَهَنَّمَ فَيُعَذِّبُهُ نَجْمٌ مِثْلُ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ وَدَمًا لَا يَكُونُ لِعَامَةٍ وَشَرَابُهُ
 الْأَمْنَةُ **بیان** لفظ سُكَرَان در پنج مورد از اول حدیث بمعنی مست میباشد
 و همین لفظ در آخر حدیث اسم کوهی است در وسط جهنم مِثْقَالِ ذَرَّةٍ اسم ماده است
 که در زخمها جمع میشود و بیرون میاید دم بمعنی خون است **ترجمه** رسول خدا
 فرموده اند کسیکه مست شراب باشد و بمیرد بمیبیند ملک الموت را در حال مستی
 و داخل

و داخل قبر میشود در حال مستی و می ایستد مقابل خداوند عالم در قیامت
 در حال مستی پس خداوند عز و جل خطاب میفرماید یا حبیب برای تو که باین
 حال مستی عرض میکنی مست میباشم پس خدای تعالی میفرماید آ یا باین کار نورا
 امر کردم ببرید او را بسوی سکران پس میبرد او را بسوی کوهی که در وسط
 جهنم است و در آن کوه چشمه هست که بیرون میاید از آن چرک و خون
 و نمیشد خوراک و آب او را آنجا کمر از آن چرک و خون نیک از آن چشمه جاری
 میکرد **مسند** ابی حنیفه حاجی نوری قدس در کتاب مذکور میفرماید **مسند**
 فِي حَدِيثٍ قَوْلُ اللَّهِ يَعْذِّبُهُ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّهُ مَا شَرِبَ الْخَمْرَ إِلَّا أَلْمَعُونَ فِي
 النَّوَارِثِ وَالْأَنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ **ترجمه** پیغمبر ص در جزه حدیثی فرموده
 قسم بخدا آنکه مرا برامستی و درستی بخلق فرستاده بد رستیکه شراب نمخورد
 مگر کسیکه لعن شده است در سده کتاب آسمانی تورات و انجیل و قرآن
تفسیر ابی الفتح شیخ جلیل حسین بن علی الخزاعی النیشابوری الاصل معروف
 بشیخ ابوالفتح رازی که از علماء قرن ششم هجری شمار میرود و از اولاد بدیل
 بن ورقاء خزاعی است که از اکابر اصحاب پیغمبر ص بوده و خاندان ابوالفتح
 یکی از اجله بیونات عرب میباشد که در عجم نطن اختیار کردند در تفسیر خود این
 حدیث را ذکر فرموده **(عن النبي قال ان الله لا يجمع الخمر والايمان)**
 فِي جَوْفِ امْرِئٍ أَبَدًا **بیان** امْرِئ یعنی انسان بهمه وصل و حرکت
 رای امرء مشابه حرکت آخرش در ضم و فتح و کسر علی حسب الاعمال و جواز
 ضم و فتح در جمیع احوال **ترجمه** از پیغمبر اکرم ص نقل شده است که فرموده

بد رستیکه خدای تعالی جمع نمیکند شراب و ایمان را در دل احدی از آحاد تا آخر
 دنیا یعنی اگر حقیقه ایمان قلبی باشد شراب بنخورد و اگر شراب خورد معلوم
 میشود ایمانش زبانیست **فقه الرضا** کتابیست منسوب بحضرت
 ابی الحسن الرضا علیه السلام (عَنِ النَّبِيِّ - قَالَ شَارِبُ الْخَمْرِ مُلْعَوْنٌ
 شَارِبُ الْخَمْرِ كَعَبْدَةِ الْأَوْثَانِ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
بَيَانٌ اَوْثَان جمع وثن است و فارسی آن بُت میباشد **ترجمه** در کتاب
 فقه الرضا از پیغمبر نقل شده که آنحضرت فرمودند خورنده شراب ملعونست
 خورنده شراب مثل بُت پرست میباشد محشور میشود روز قیامت با فرعون
 و هامان **کافی** شیخ جلیل کلینی رضوان الله علیه در کتاب مذکور میفرماید
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - قَالَ شَارِبُ الْمُسْكِرِ لَا عِصْمَةَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ **بَيَانٌ**
 الْعِصْمَةُ بَيْنَ التَّخَصُّصِ هُوَ الْعَلَاقَةُ بَيْنَهُمَا وَحِفَافَةُ كُلِّ مِمَّا الْأُخْرَى +
ترجمه روایت شده از حضرت امام جعفر صادق که فرموده اند هر کس
 شراب بنخورد هیچ علقه و آشنائی بین ما و بین او نیست و دست بحبل ولایت
 مانده است **کافی** ابضا شیخ جلیل کلینی قدس در کتاب مذکور میفرماید
 عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - قَالَ مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَمَاتَ فِي جَوْفِهِ مِنْهُ شَيْءٌ لَمْ يَنْتَبِ
 يُعْثَرِ مِنْ قَبْرِهُ تَحْتَلًّا مَا ثَلَا شَدُّهُ سَائِلًا لَعَابُهُ يَدْعُو بِالْوَيْلِ وَالنُّوْبِ
بَيَانٌ تَحْتَلُّ بر وزن موتث شخص در بوانه شدنی کنجهای دهن لعاب
 آب دهن وکیل کلام کسی سنگد و افغ در مملکت اید آنرا استحقاق دارد
 نبود بضم نای هلاکت است **ترجمه** حضرت امام محمد باقر فرموده است
 کسیکه

کسیکه شراب بنخورد و بمیرد و در دل او چیزی از شراب باشد و توبه نکرده
 باشد بیرون میاید از قبر در حالتیکه مجنون و دیوانه است کوشه های
 دهن او از پشت بطرف بیرون برکشته آب دهنش جاریست بر رخ
 و سینه اش و فریاد او بلند است و ای بر من جدا گشت **کافی** ابضا
 شیخ بزرگوار کلینی قدس در کتاب مذکور میفرماید (قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ -
 مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُسْقِيَهُ مِنْ طَبَقَةِ خَبَالٍ
 قَالَ الرَّوْثِيُّ قُلْتُ وَمَا طَبَقَةُ خَبَالٍ فَقَالَ صَدِيدُ فَرْجٍ وَجَّ الْبَغَايَا
بَيَانٌ مُسْكِرٌ هر مست کننده ایست طَبَقَةُ یعنی خلقت خَبَالٌ یعنی
 فساد است صَدِيدٌ چرک مخلوط بخون بَغَايَا جمع بَغَى و آن زن زانیه است
ترجمه حضرت امام جعفر صادق فرموده است کسیکه بیاشامد
 چیزی را که سستی میاورد لازم است برخد او ند عالم که بیاشامد باو
 در قیامت از چرک و خونیکه جاری میشود از فرج زنهای زنا کار
کافی ابضا عالم جلیل شیخ کلینی علیه الرحمة ذکر فرموده این خبر را در
 کتاب مذکور (عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - قَالَ إِنَّ أَهْلَ الرَّقَى فِي الدُّنْيَا
 مِنَ الْمُسْكِرِ يَمُوتُونَ عَطَاشًا وَيُحْشَرُونَ عَطَاشًا وَيَدْعُونَ النَّارَ عَطَا
بَيَانٌ الرَّقَى الثَّرْبُ المشيع العطاش بکسر العين جمع عطشان **ترجمه**
 حضرت صادق فرموده است کسانی که در دنیا اهل مشروب و خورنده
 مسکرانند بمیرند در حالتیکه تشنه اند و وارد میشوند در عرصه قیامت
 در حالتیکه تشنه اند و داخل در آتش جهنم میشوند در حالتیکه تشنه اند

کافی ایضا شیخ جلیل القدر کلینی قدس در کتاب مذکور نقل میفرماید
 ابن خبیر شریف را (عن آیه بصیر عن آیه الحسن) قال لما احتضر آیه
 قال بانی الله لا مال شفاعتنا من استخف بالصلوة ولا بوجعنا
 الحوض من اذ من هاهنا الا شربة فقلت يا آية و آئی الا شربة فقال
 كل من شرب لا ينال ای لا یصیب یعنی نمیرسد آیه الحسن مراد موسی بن
 جعفر علیهما السلام میباشد که ابو الحسن اول است **ترجمه** ابو بصیر که راوی
 از حضرت باقر و صادق و کاظم علیهم السلام میباشد میگوید حضرت کاظم
 فرمودند و فتنیک بدرم در حال احتضار بود فرمود ای فرزند من بدر سنیک
 هر کس نماز را سبک بگیرد شفاعت ما نخواهد رسید و کسی که شراب بخوار باشد
 وارد نخواهد شد بر مادر کنار حوض کوثر **کافی** ایضا شیخ جلیل القدر کلینی
 میفرماید (عنه من اصحابنا عن سهل بن زیاد و یعقوب بن یزید عن محمد
 بن داؤد و غیره قال کتب الی آیه الحسن) استلذه عن شارب المسکر
 قال فکتب عن شارب الخمر کافر **بیان** احوال محمد بن داؤد وید را حقیق در
 کتب رجال شعبه آن اندازه که داشتیم یافت نکردم و داؤد وید بنا
 بر نقل از تقریب ابن حجر بالذیل المعجم ثم الالف و الذال المعجم ثم الواو
 ثم الیاء المثنیات من تحت ثم الهاء و اما آیه الحسن بحسب اطلاق باید
 حضرت کاظم باشد و لکن بحسب قرائن آیه الحسن نانیست که حضرت
 رضا علیه السلام است بقربند و نفرناقلی از ابن داؤد وید یکی سهل
 و دیگری یعقوب چون سهل اگر ابو سعید را زنی باشد از اصحاب حضرت

عادی است و اگر ابو یحیی واسطی باشد از اصحاب حضرت عسکری است
 و بعضو بهم از اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام است در هر
 حال مراد آیه الحسن اول باشد یا آیه الحسن ثانی در کلام مبارکش نیست
ترجمه محمد بن داؤد وید میگوید نوشتم خدمت آیه الحسن و پسر سیدم از
 آنحضرت که شراب خور چگونه است میگوید که آنحضرت در جواب نوشت
 خور نده شراب کافر است **مؤلف گوید** مراد شراب خور نیست که
 منکر حرمت خوردن شرابهم باشد چون حرمت آن از ضروریات دین
 اسلام است و منکر ضروری کافر است و از رتبه اسلام خارج است
کافی شیخ عظیم الشان کلینی نور الهدی مرفعه در کتاب مذکور خبری ذکر
 میفرماید از حضرت صادق علیه السلام که جماعتی از بنی آمدند خدمت پیغمبر برای
 سؤال آن از احکام اسلام و خبر طولانیست آخر خبر اینست که سؤال
 کردند از حکم نبید (فقال لهم رسول الله افسیکر فقالوا نعم فقال
 کل من شرب حرام و حق علی الله نعر ان یسف شارب کل من شرب من
 طینة خبال اقتد دون ما طینة خبال قالوا لا قال صدید
 اهل النار) **بیان** نپیدن از شر به ایست که از خمر و مویز و کدو و غیره
 بعمل میاورند مسکوک هر چیزیست که مستی بیاورد طینة خبال چه رک
 و خونست که از بدن اهل جهنم جاری میگردد **ترجمه** جماعتی از بنی آمدند
 خدمت پیغمبر و من جمله از حکم نبید سؤال کردند و نبید مشروب است که
 از خمر و مویز و کدو و جو بعمل میاورند حضرت فرمودند آ یا این مشروب

مستی میاورد عرض کردند آری مستی میاورد پس حضرت فرمودند هر
مست کننده حرام است و حق است بر خداوند عالم اینکه بپاشد خورنده
مسكرات را از طینه خبال آیا میدانید طینه خبال چیست عرض کردند نمیدانیم
فرمودند چرك و خون اهل جهنم است **کافی** ابضا شیخ کلینی قدس در کتاب
ذکوره این خبر شریف را ذکر میفرماید (أَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ۴ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
فَنَظَرَ إِلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا مَنْ هَذَا فَقِيلَ لَهُمْ إِمَامُ أَهْلِ الْعِرَاقِ
فَقَالَ بَعْضُهُمْ لَوْ بَعَثْتُمْ إِلَيْهِ بِبَعْضِكُمْ يَسْأَلُهُ فَنَاهَهُ شَابٌّ مِنْهُمْ فَقَالَ لَهُ
يَا عِمَّ مَا الْكِبَارُ فَقَالَ شَرِبُ الْخَمْرِ فَأَنَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ فَقَالُوا لَهُ عُدْ
إِلَيْهِ فَعَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ يَا بَنَ أَخٍ شَرِبُ الْخَمْرِ فَأَنَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمْ
فَقَالُوا لَهُ عُدْ إِلَيْهِ فَأَمَّ بِزُورَابِهِ حَتَّى عَادَ إِلَيْهِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ لَهُ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ
يَا بَنَ أَخٍ شَرِبُ الْخَمْرِ أَتَشْرِبُ الْخَمْرَ يَدْخُلُ صَاحِبَتُهُ فِي الزَّوَانَا وَالشَّرْقَةِ
وَيَقْتُلُ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَفِي الشَّرَابِ يَأْتِيهِ وَأَفَاعِيلُ الْخَمْرِ يَغْلُو
عَلَى كُلِّ ذَنْبٍ كَمَا يَغْلُو شَجَرُهَا عَلَى كُلِّ شَجَرٍ) **بیان** أَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ۴ فَنَظَرَ
لَوْ رَوَى عَنْهُمْ شَرْطِيَّةً است و جواب آن محذوف است ای لو بعثتم اليه لكان حسنا
قوله یا بنی آخ ورموارد بکه حضرت سائل را در این خبر باین کلام مخاطب فرموده
باعثبار آیه شریفه الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ میباشد **ترجمه** شیخ کلینی ره در کتاب کافی
این خبر شریف را ذکر فرموده (داخل شد حضرت امام محمد باقر علیه السلام در مسجد الحرام
و آن مسجد بستکه در مکه معتقد دور خانه مبارکه است پس نظر کردند جمعی
از قریش بسوی آنحضرت و پرسیدند این شخص کیست گفتند این بزرگوار

امام و پیشوای اهل عراق است بعضی آنها گفتند اگر کسی را از خودتان
بفرستادید تا از او چیزی سؤال کند هر اینه کار خوب بود پس جوانی را از
میان خود فرستادند خدمت آنحضرت عرض کرد ای عموی من بزرگترین
کناهان کبیره چه کنایه می باشد حضرت فرمود شراب خوردن پس آنجوان
برگشت و خبر داد بآنها کلام حضرت را پس آنجماعت گفتند برگرد و نایا
از او همین مطلب را سؤال کن پس برگشت و سؤال کرد که بزرگترین کنایه
چه کنایه است فرمود ای پسر برادر آری آنکفتم بنوش شراب خمر است پس
برگشت و خبر داد آنها را بحواب آنحضرت پس قریشها گفتند باز هم برگرد
و از او همین مطلب را سؤال کن و دست از او برنداشتند تا در مرتبه
سوم او را فرستادند برای همین سؤال پس جوان برگشت باز هم سؤال
کرد از بزرگترین کنایه آن حضرت فرمود ای پسر برادر م آری بنوشتم
بزرگترین کنایه آن شراب خمر است بدان بدر سنیک خوردن شراب
داخل میکند شرابخور را در زنا و زردی و کشتن نفوس محترمه و در
شرک بخدای تع و افعال و آثار شراب فوق هر کنایه می باشد همچنانکه
شجره آن فوق هر شجره میباشد **کافی** شیخ کلینی ره در کتاب ذکوره
نقل میکند از حضرت صادق ۴ و آنحضرت از پدر بزرگوار خود حضرت
امام محمد باقر ۵ و او از پیغمبر اکرم ص (قَالَ مَنْ ادْخَلَ عِرْقًا وَاحِدًا مِنْ عَرَفِهِ
قَلِيلًا مَا أَسْكَنَ كَثِيرُهُ عَذَابَ اللَّهِ ذَلِكَ الْعِرْقُ بِثَلَاثٍ مِائَةٍ وَمِائَتَيْنِ
يُؤْعَانِ مِنْ أَفْوَاجِ الْعَذَابِ) **بیان** عِرْقٍ بکسر عین و سکون رای رکن بدن

نَجْمَه حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که رسول خدا ص فرموده اند کسی که در رکعه از رکعهای بدنش داخل کند قبله از مشرب و بیکه زیاد از آن مستی مباد و در عذاب میکند خداوند عالم همان رکعت صد و شصت نوع از انواع عذابها **خِصَال** در این کتاب شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه در ابواب العشرة روایت میکند از حضرت امام جعفر صادق و آنحضرت از آباء کرامش تا علی علیه السلام که آنحضرت فرموده اند **(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ إِلَى أَهْلِهَا نَزَلَ فِي أَوْصَافِ الْجَنَّةِ فَقَالَ تَعَالَى لَهَا تَكَلَّمِي فَقَالَتْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ فَكَرِهَ مِنْ بَدَنِ خُلِّي فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْزِي وَتَعْظَمَتِي وَجَلَّ لِي وَادِّقَاعِي لَا يَدُ خُلِّيَا مَذْمُومِي وَلَا يَسْتَكْبِرُ)** و نیز بهشت طائفه دیگر را که داخل میشوند در همین حدیث ذکر میفرماید و لکن چون کلام حقیر راجع بعقوبات شراب خمر است آن مشرب طائفه ذکر نکردم هر کس میخواهد اطلاع بآنها هم پیدا کند رجوع بکتاب خصال نماید **بَيَان** باده در تکلمی ضمیمه مؤلف است کمانه یا ناکونه ضمیمه تکلم است مثل کلامی و قیامی قوله **سَعِدَ** یعنی رستگار شده مذموم شمر کسی است که هر وقت شراب پیدا کند بدون مضایقه بنوشد یسبکتر بکسر سب و نشد بد کاف کثیر الشرب صیغه مبالغه است یعنی مست بودن در جمیع اوقات **نَجْمَه** حضرت صادق از پدرانش تا علی علیه السلام و آنحضرت از رسول خدا ص که فرموده زمانیکه خداوند عالم خلق فرمود بهشت را باوصافیکه مذکور در همین حدیث است فرمود بآن تکلم کن گفت نیست خدای مگر تو که زنده و پاینده

و پاینده هستی تحقیق رستگار شده کسی که داخل من شود پس خدای نعم فرمود قسم بعزت و عظمت و جلال و ارتفاعم داخل نمیشود این بهشت را کسی که دائم شرابخور باشد و کسی که بسیار مست گردد **مؤلف گوید** ظاهر این حدیث شریف اطلاق است و لکن ممکن است بآیات توبه مقیده بغیر تائب شود **خِصَال** شیخ صدوق بعد در باب اربعه از کتاب مذکور این حدیث شریف را ذکر میفرماید **(قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَرْبَعَةٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدًا مِنْهُنَّ إِلَّا غَرِبَ وَكَرِهَتْهُ الْجَنَّةُ وَالسَّرَقَةُ وَشَرْبُ الْخَمْرِ وَالزُّنَا بَيَانٌ كَمْ بَعْرَةٌ فَعَلٌ وَمَفْعُولُهُ الضمير لراجع الى البيت و فاعله مقدر اى لم يعمره عامر خيانت ناراستی و معنایش معلوم است مثل خیانت در عهد و امانت **نَجْمَه** امیر المؤمنین علیه السلام فرموده چهار چیز است که داخل نمیشود یکی از آنها در خانه یعنی یکی از اهل آنخانه دارای یکی از این چهار صفت نباشد مگر آنکه آنخانه خراب و فاسد میگردد و هیچ آباد کننده ظاهری آنرا آباد نتواند کرد و آن چهار چیز خیانت و دزدی و شراب خوری و زنا میباشد **خِصَال** ایضاً در این کتاب شریف شیخ جلیل القدر صدوق در باب اربعه میفرماید **(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَاقٍ وَمَنَّانٌ وَمُكَلِّبٌ بِالْقَدَرِ وَمُؤْمِنٌ بِالْخَمْرِ)** **بَيَان** عاق کسی است والدین یا یکی از آنها را او راضی نباشد قتل و بقتل قاف و دال نقد بران الهی است در حق بنده گناه در تکوینات نه تکلیفات مثل فقر و غنا و صحت و مرض و موت و حیات و سفر و حضر صدوق علیه الرحمة**

در اقول من لا يحضر مفر ما به لما ساقني لقضاء الى بلاد العربيه
وخصاني القدر بادريض بلخ) ^{اي رقيه} مُدَّيْنِ الْمُهْرِ كَسَى اسكدر وقت
شراب پيدا شود بدون تاقل بخورد **ترجمه** رسول خدا ص فرموده اند
همدار طائفه هستند كه خداوند تبارك و تعود در روز قيامت نظر بسوى آنها
نميكند بكي عاق والدین دويم كسيكه بسيار منت ميكند بر بنده كان خدا
سوم كسيكه تكذيب كند قول بقدر را يعنى بگويد نقد بر امور از جانب خدا
عالم دروغ است و هر امرى بالطبع واقع ميكرد چهارم كسانيكه
شراب خور باشند و در بيچ وقت مضايقه از شراب نداشته باشند كمر
آنكه پيدا انگنند **خصال** ايضا شيخ جليل صدوق غلب الرحمة باسناد خود
در باب الشانه از اين كتاب روايت ميكند ^ص (قال رسول الله ص من
كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤكل على ما ناله يشرب علمه
بيان ما ناله هر غذايىست كه ميتا كند براى خوردن **ترجمه** رسول خدا
فرموده اند كسيكه ايمان بخدا و روز قيامت آورده نمى نشيند باى غذايىكه
با آن غذا شراب و عرق خورده ميشود **خصال** باب الاثنى عشر شيخ معظم
صدوق قدس در كتاب مذکور باسناد خود الى ابي عبد الله ^ص (اقله سئل
عن السفلة فقال من يشرب الخمر ويضرب بالطنبور **بيان**
السفلة كسر سين و سكون فا اشخاص بيقدر ولياقت و بخت مرتبه عكس
بلند مرتبه طنبور آلتى از آلات طربست و مراد عموم آلات طربست
بهر اسم كه باشد از باب تسميه كل باسم جزء است **ترجمه** از حضرت

امام جعفر صادق ع سؤال كردند كه مردمان بى قدر و لياقت و بخت
مرتبه اشخاصى هستند فرمود اشخاصيكه شراب بخورند و بطنبور و امثال
آن از آلات طرب اشتغال دارند **صحيح البخارى** شيخ جليل القدر
محمد بن اسمعيل البخارى الجعفي در جزء هشتم از كتاب مذکور در كتاب حدود
باسناد خود روايت ميكند ^ص (اقله النبي ص اثنى بعيمان او يا بن نعيم
وهو سكران فشق عليه و امر من في البيت ان يضربوه فصر جوه
بالجهد والياعال) **بيان** بخارى محمد بن اسمعيل بخارى جعفي است
و بخارى نسبت او است بشه بخارا و اين شيخ عظيم الشأن متولد شده
در سال ۱۹۴ قمرى وفات شده در سال ۲۵۶ قمرى هجرى
كه مجموع عمر او شصت و دو سال بوده و اين كتاب يكى از صحاح سته اهل
سنت و جماعت ميباشد و نزد آنها اعتبارش زيادتر از پنج صحيح ديگر ميباشد
نقل شده كه خود اين شيخ فرموده كه تخرىج كردم احاديث ابن صحيح را از شصت
هزار حديث در مدت شانزده سال و گفته است و ما وضعف في حديثنا
الا اغتلت وصليت و كعتين و لكن صدحيف كه با اين زحمت زياد بسيارى
از احاديث او ناقش ابو هريره است از پنج هزار و عدد احاديث صحيح بخارى
هفت هزار و دويست و هفتاد و پنج حديث ميباشد باكثر رات و باسقاط
كثير رات چهار هزار حديث است اين ملخص چيزيست كه نقل شده از شرح
شهر خيبرى وغير آن فشق ملكه اى او نعد في المشقه جهاد چوب شانهماى
نقل است فعال جمع نعل است كه بفارسى كفش گویند **ترجمه** شخصيكه اسم

بهارستان منصوری قاهره بوده و کتاب مهذب در کمال و شرح کرده
تمام کتب بقراط حکیم را و شارح اشارات شیخ الرئیس است و در
فقه و اصول فقه و علم بیان و دیگر از علوم نیز تصنیف فرموده است و نمای
امراء و رؤساء اطباء مصر و قاهره در مجلس او در قاهره جمع میشده اند
برای استفاده علم طب و علوم دیگر و اعرف جمیع اطباء عصر بوده بقوا و
مضرات هر ماکول و مشروب و من جمله چنانچه نقل شده این مآدیه دوران
در مرض موتش بعضی دوستان او از اطباء بکمان خود باو گفتند دوائی
مرض تو خوردن قدری شراب است ایشان چنان امتناع فرموده و قال
لا ألقى الله نعم و فی باطنی شکی منی الخمر گفت نیستم من که ملاقات
کنم خدا را در حالتیکه در شکم من چیزی از شراب بوده باشد و این شخص
عظیم القدر در سال ۷۸۷ هجری خف از دنیا رفته قدس و شارح کتاب کور
طبيب دانمند نفیس بن عوض کرم نیست و ایضا این حاذق نفیس
و ما هر نفس شارح اسباب است که تألیف ابو حاتم سمرقندی است که
فی الذریعه و این اسباب اسباب الامراض و عللها است و غیر از دو
اسباب شیخ الرئیس است که یکی اسباب حدوث الحروف و دیگری اسباب
المرءه میباشد و بحسب چیزی که خود نفیس در اول شرح اسباب مینویسد
اسباب را شرح کرده و بعنوان پدیه و ارمغان خدمت سلطان الغریک
برده و البته این ارمغان بعد از هشتصد و پنجاه هجری بوده که عصر پادشاهی
سلطان مذکور است و غرض حقیر از تفصیل شرح حال طبیب حاذق علاء الدین

و بیان مقام و مرتبه او در علم و دانش آنست که به اندسخن او راجع بمضات
و منافع اشباء از روی علم و حکمت و بیان و کیا است بوده اند از
روی جمال و هوا و بهیوده کوفه شاید باین جهت که سخنش از روی علم
بوده اشخاصیکه معتاد باین اتم الفساد هستند بنفس خود ترحم کرده آنرا
ترک نمایند و اشخاصیکه که داخل در شرب شده اند دوری کنند و اقامت
باین عمل بر خطر نمایند و لو بغرض حفظ الصحه و سلامت مزاج خود باشند
شعر ای کاش شود خشک بون تانک و خلد و نند **مذنب** مایه شرب حفظ کند نفع
فرض آنکه این فیلسوف خبیر و طبیب بهیصر در متن شرح نفیس چند ضرر از
مضرات شراب نوشته و حقیر هر یک آنها را بعین الفاظیکه نوشته بدو
کم و زیاد با بعضی عبارات شارحش مینویسم و بجهت آنکه شرح و متن
متمم از یکدیگر بکمر باشند آنچه عبارت متن است خطی بالای آن کشیده میشود
و آنچه عبارت شرح است خال از خط فوق است و پس از آن لغات
و ترجمه متن و شرح را عرض میکنم حاصل مطلب آنکه طبیب امین علاء الدین
بعد از تقدیم لفظ شراب مینویسد **وَ اِذَا مَتَّهُ تَبَلَّدَ الدِّهْنُ لِكَثْرَةِ**
مَا يَنْفَدُ إِلَى الدِّمَاغِ مِنَ الْاَبْخَرَةِ الشَّرِبَةِ وَ هِيَ بُوْجِي الدِّمَاغِ وَ يَكْتَدُ
اَوْ وَاحِدَهُ وَ يَغْلَظُهَا يَفْقَطُ الدِّهْنُ **بیان** تَبَلَّدَ بلادیت ذهن کند نفی
و از کار افتادن آنست از قوه فهم و حفظ **يَنْفَدُ** نفوذ داخل شدن چیزی
در چیز دیگر **دِمَاغ** بکسر اول مغز است **اَبْخَرَةُ** جمع بخار و معروف است
إِخْلاء سست و نرم شدن چیزی **يَكْتَدُ** که ورة تیره شدن شیئی است

یعنی رفتن صفاء و طراوة از دماغ جمع روح است و آن چیز است که حیات و
زندگی بودن موقوف بر اوست و **یَعْلَظُهَا** غلظت یافت و سطر مکن
رقیق قریط تجاوز از حد یعنی زیادی بلکه بسرا به معنی رطوبه است
ترجمه در طبع نفیسی میفرماید ادامه و استمرار در خوردن شراب
شخص را کند ذهن و از قوه فهم و حافظه میندازد بعقل بخاری زیادی که
از شراب نفوذ میکند در مغز سر و داخل در آن میگردد و این بخار است
و ضعیف میکند مغز را و تیره و کدر میکند روح مغز را یعنی از صفاء
و نشاط میاندازد آنرا و رقیق و نرمی مغز را مبدل بغلظت و سختی میکند
بکثرت رطوبه **مضرب دوم** در کتاب مذکور میفرماید و یزخی العصب
لا یبطل له به حبس الی دماغ و ذلک مما یوجب الخاوة **بیان**
یزخی مصدر ریش را رخا یعنی شست شدن عصب بخار سی آنرا که کوبیده
ایستادن مرطوب شدن دماغ مغز سر و خاوة سستی بدن **ترجمه**
میفرماید ادامه در خوردن شراب در انسانرا سست و ضعیف میکند
بجست مرطوب شدنش به رطوبه مغز سر و مرطوبه از چیزها نیست که باعث
ضعف و سستی میشود **دیان سوم** میفرماید و یورث الرعشة
لضعف العصب استرخاش **بیان** رعشه تکان خوردن جزئی از
بدن است بخوبی که شخص توانایی بهر نگاه داری آن ندارد **ترجمه** میفرماید
مداومت خوردن شراب باعث رعشه میشود بسبب ضعیف شدن در
که در بدن کشیده شده و سستی شدن آن **دیان چهارم** میفرماید
و یورث

و یورث التشنج لآن ما یقعد الی العصب من الشرب ان کان
حاراً لذماً و لذ التشنج الذی و ان کان مائلاً بارداً و لذ التشنج
ان کان غلیظاً و لذ التشنج الامتلاء **بیان** تشنج ترنجیده که یعنی
چین و در هم کشیده شدن پوست بخوبی که از انبساط و صاف بودن بیفتد
فقود داخل شدن و اثر کردن عصب در حاد تر و تشنج لذاع
بصیغه مبالغه سوزاننده امتلاء در کلام اطباء پُر شدن محل از بدن آن
یکه از اخلاط اربعه و قلیل است در کلامشان اطلاق است و پُر شدن
معه از آب و طعام **ترجمه** میفرماید ادامه بخوردن شراب موجب
ترنجیده که یعنی چین چین شدن و در هم جمع شدن پوست بدن بشود بخوبی که
از صاف بودن بیفتد بعقل آنکه چیزیکه از شراب داخل میشود در بدن کرد
بدن کشیده شده اگر چنانچه تر و تشنج باشد تولید تشنج با سوزشی میکند
و اگر تر و تشنج نباشد تولید سستی در بدن میکند و اگر شراب غلیظ باشد
بواسطه غلظتش تولید تشنج میکند تشنج که تشنج جمع شدن خلط بدن است
در باطن انسان **دیان پنجم که فوق هر دیانیست** میفرماید و کثیراً ما
یموت السکران بالسكره لکثرة ما یجتمع فی الدماغ من الکیمه الکثیره
و قلة ما یملأ بطون الدماغ و یسبب تجاری ارجیه و یمکن ان
یواد بالسكره السكره القلبیه فان الشرب للکونیه من الاذ و یسبب
القلبیه یقعد منه کثیراً الی القلب یحک لایقوی القلب الی دفعه
فیمکن الروح و یموت فجأة **بیان** سکران آدمیکه مست باشد

سکته مرکب ناکهانی دماغ مغز سر آنکه جمع بخار است و آن معروف است
بکله یعنی پرمیکنند باطن میان هر شئی خلاف ظاهر سست منع و جلوه گرفتن
از چیزی نفوذ داخل شدن چیزی در چیز دیگر (اختناق خفه شدن
فجاء موت ناکهانی **ترجمه** در طبع نفسی میفرماید (وخیل از اوفا
شخص سست میبرد بواسطه سکته بعلت زیادی چیزیکه جمع میشود در
مغز سر از بخارات شرابیه باندازه که پرمیکنند خلل و قرح مغز سر را
و مسدود میکنند محل گردش روح مغز را و این را سکته مغزیه گویند
و ممکن است مصنف اراده کرده باشد از سکته سکته قلبیه را پس
بدرستی که شراب بجهت آنکه از دوائی قلب است درخیل از اوفا
بمقداری نفوذ و تاثیر میکند در قلب که قلب قوه دفع آنرا ندارد پس
روح خفه میشود و شخص فوراً میمیرد) **ذیان ششم شراب** در طبع نفسی
میفرماید (و الشراب الصرف الغیر الممنوع حائر فی الدجبة الثالثة
باجسة فی الثانية محرق للذی لانه قوی الحرارة والیبوسة
بیان صرف خالص از هر چیزی میباشد بدون داخل بودن چیزی
دیگر در آن ممنوع داخل شدن دو چیز یا زیادتر در یکدیگر حادث نشد
رای معنی کرم ضد سرد یا پس یعنی خشک محرق سوزاننده دم خونیکه
در بدن است) قول شارح فی الدجبة الثالثة و قولش فی الثانية
بدانکه اطباء عالم مقام برای هر ماکول و مشروب از هر طبیعتی که در آن است
از طبایع اربعه که آن حراره و برودة و رطوبة و یبوسة میباشد چنان

درجه مرتبه برای تاثیر قوه آن تعبیر فرموده اند یعنی قوه تاثیر طبیعت را
در بدن از یک درجه تا چهار درجه گفته اند باین نحو آنچه زیر که شخص بخورد
اگر تغییر خفیفی در مزاجش بدو و لکن ظاهر نکند مکرر از تکرار و زیاده باشد
محد ظهور رسد آنرا درجه اول گویند و اگر تغییری دهد که خفی نباشد و آشکار گردد
آنرا درجه ثانی گویند و اگر بنحویه تغییر دهد لکن بهرتبه فساد طبیعت نرسد آنرا
درجه ثالث گویند و هرگاه طبیعت را فاسد و بهرتبه هلاکت رساند درجه
رابع نامند و در این درجه مملکت و متم قاتل است مگر آنکه بحسب صورت نوعیت
تیر یا قبیله بآن باشد و بعبادت اوضح درجه اول آنستکه تاثیر میکند در هوای
درجه دوم آنستکه نجا و زمین میکند و تاثیر میکند در رطوبه بدن درجه سوم
آنستکه نجا و ز کرده تاثیر میکند در پیه بدن درجه چهارم نجا و ز کرده تاثیر
میکند در گوشت و اعضاء اصلیه و استیلاء پیدا میکند بر طبیعت
ترجمه میفرماید شراب خالص که چیزی داخل در آن نباشد در درجه
سوم کرم است و در درجه دوم خشک و سوزنده خون بدن است
بعلت آنکه شراب خالص قوی است کرمی و خشک آن) **ذیان هفتم شراب**
در طبع نفسی میفرماید (مفسد المزاج الدماغ لان الاثیر المصغرة
منه إلى الدماغ يكون شديداً السخونة فتسحقه ويحدث منه
صلع مبرح وقد يحدث منه سسام و المزاج الكبدي
لكنه مبرح بهما فيفسد في تسخينها) **بیان** افساد تباه کردن
مزاج عبارت است از اختلاط اجزاء عناصر و مزاج طبیعی هر شئی آن

جیز بستند وجود آن شبن بواسطه آنست در مایع مغز سر را بخیر جمع
بخار و آن معروف است سقوفه کرم بودن ضلع سرد رده
مبتحج بزحمت و مشقت اندازنده سکر سام مرض معروف گید
بفتح کاف و کسر بای جگر یقراط افراط تجاوز از حد اعتدال است **ترجمه**
میفرماید شراب فاسد و تباه میکند مزاج و قوه مغز سر را بعلت آنکه
بخار یک از شراب بالا میکشد و بطرف مغز زیاد است و در شدت کرمی
میباشد پس کرم میکند مغز را و حادث میشود از آن کرمی سرد و شدید
و کاهی حاصل میشود از آن سرسام که مرض معروف است و هم چنین
فاسد میکند جگر را بجهت آنکه شراب فروزش و نفوذش در جگر
زیاد است پس زیاده از حد تاثیر میکند در حرارت جگر و آنرا تابا کند
مضرب هشتم از مضرات شراب که در رطبت نفسی مینویسد
والمسطار وهو الشراب الذي لم يمتز عليه سته اشهر *
يخاف منها ذو سبطاريا اي الاسهال الكبدی لنفخه
واسهاله اما النفخ فلكثرة ما فيه من الرطوبات الفضلية *
واما الاسهال فلانه لا يظلم لا ينفذ في الماسار بقا فيبقى اكثر
في الامعاء وينزل حتى تهافت بها **بیان** در بحر الجواهر میفرماید قال
مولانا قیس معنی ذو سبطاریا فی اللغة اليونانية قروح الامعاء
ثم اطلقه بعض على لانها وهو اسهال الدم کید جگر غلیظ شده
رفیق نفوذ دخول ماسا ربقا غرق صغار دقاق صلاب متصلة

یا کثر الامعاء و آخر المعده يجذب الكيلوس منها الى العروق المتني
باب الكبد فينفذ في جميع الكبد بواسطه قروح الباب کيلوس
لفظ سریانی است و آن کشکابست که از هضم طعام در معده حاصل شود
شبهه باب کشک کرم امعاء روده تا نیکه طعام بعد از هضم از معده
داخل آنها میشود یبقل یعنی ترم میکند جرثیم از هر چیزی جسم او است
از غشاء سست کردن **ترجمه** در رطبت نفسی میفرماید مستطاد و آن اسم
شرابست که شش ماه بر آن نگذشته باشد خوف آنرا در کذب و رطوبت
عارض خورنده کند یعنی اسهال کبدی بجهت نفخ و اسهالیکه در آن است
آقا نفخش پس بجهت کثرت رطوبتانیست که در آن هست زیاده
از مقدار یک باید باشد و اما اسهال و روان کردنش شکم را بجهت
غلیظ بودنش نفوذ نمیکند در ماسا ربقا و ماسا ربقا بحسب نقل از
شیخ الرئيس در شفا رکهای ریز نازک سختی میباشد که متصل استند
بامعاء و آخر معده و آنها جذب کیلوس میکنند از معده یعنی کشکابیکه
از هضم غذا در معده حاصل میشود آنها جذب میکنند و میرسانند بزرکیکه
نامیده شده بباب جگر پس نفوذ میکند در تمام جگر بواسطه عروق لطیفه
که متصلند بزرک موسوم بباب جگر پس بعد از آنکه بجهت غلظت نفوذ
نکرد در ماسا ربقا بیشتر آن باقی میماند در روده تا پس مرطوب میکند
روده تا را و سست بنماید آنها را پس اسهال عارض میگردد **تحفة المؤمنین**
معروف بخف حکیم مؤمن یکی از کتب معتبره در فن طبابت و در بیان

طبایع ادویه و اغذیه و اثر به است و این کتاب شریف تألیف مجرب شهیر
 و طبیب خیر سید محمد مؤمن تنکا بنی دیلمی است که از اطباء دولت صفویه بشمار
 میرود و بحسب چیزی که از دیباچه همین کتاب مستفاد میشود ملازم رکاب
 و طبیب مخصوص دربار سلطنتی شاه سلیمان علیه الرحمة بوده و باین قاعده
 این کتاب در حدود هزار و یکصد هجری قمری نوشته شده که تا این زمان
 که هزار و سیصد و هشتاد و نه میباشد تقریباً دو بیست و هفتاد سال میشود
 چون شاه سلیمان در هزار و صد و شش هجری قمری از دنیا رفته حاصل آنکه
 این طبیب حادثی در لغت خمر که اقسام آنرا منسوب بمفرما بد قوش شیرین او
 مفید هضم و مضر عقصب و مورث نوحش و تلخ او مولد سودا و سرخ خوش
 بوی او مهتدع و بد بوی او مهتدع و مورث امراض مهملکه و مسمس او
 که در آفتاب رسانیده و بعد از جوشیدن بسایه نهاده باشند مولد تبهای
 حار و امراض حار و مدفون او که خم را در زمین دفن کرده باشند مولد
 تبهای مزمنه است و شراب که صرف مؤذی اعصاب و مورث کسح است
 حفر مؤلف گوید که بفتح سین و سکون حای و در آخر جیم در لسان اطباء
 خراشیدن روده است پس میفرماید و قدیم او مضر حواس و اعصاب
 و نازله او نفاخ و دیر هضم و مورث امراض بلغمی و شراب تازه تیره مولد
 سنگ مثانه و مسدود است پس بعد از ذکر اقسام شراب و بیان منافع و
 مضار هر یک از آنها میفرماید و هرگاه مراعات شروط و مقدار نشود مضرت
 او بر آنب زبانه از منافع او است بالجمله سبب فوت فحشاء و خفای
 و امراض

و امراض دماغی مثل سکنه و صرع و فالج و جنون و سرسام و رعشه و امثال
 و در چشم و امراض گوش و غیشوم و دمان و دندان و زبان و اسهال
 دموی و ورم جگر و سبزه و خفقان و ضیق النفس و بطلان باه x
 و اورام خطرناک و آکله و جوششها و فساد هضم و ضعف قوتهای دهان
 و حیوان و طبیعی و مورث تبهای حرقه و مرگبه و غشیه و انسفاک عیال
 پذیر نباشد و مولد سنگ مثانه و کرده و حرقة البول و ضعف اعصاب است
 و سایر مضرات او راحتی نیست از آنجمله که مضرت عاجل و سهل العلاج آن
 علت خمار است و آن حالتی است که بعد از زائل شدن نشئه شراب
 عارض میگردد و آن با انقلاب نفس و برگرد اطراف و غشیان که آن
 اضطراب نفس است و تنوع و اعراض مولد آنک میباشد و مضر تر
 عاجل بد نیز اکثر علل میباشند و امراض عقلانی آن غیر منتهای آن
 از آنجمله تقویه قوای بهیمی است و ضعف قوه نفس ملکی است که
 امتیاز اشرفیت خلق با و است بایان عبارات نفع **شاعر** چه خوش
 گفته * دوشینه ز کوی می فروشان * پیمانته می بزر خریدم *
 * اکنون ز خمار سر کراختم * زردادم و در دسر خریدم *
ای عزیز گمان نمیکند شک و شبهه در ضرر و زیان و بد عاقبتی
 شراب برایت باقیمانده باشد بعد از دیدن آیاتیکه قول خدای تعالی
 و اخبار یک فرموده پیغمبر و ائمه هدی است و اقوالیکه از اطباء حاذق
 و فیلسوفهای ما هر است که هر یک کرا را تجربه مضرات شراب را کرده

و پس از تجربه اطلاع زیانرا بنوع بشر رسانیده تا هر که خواهد دوری
کند و نزدیکت باین بدبختی نرود و در نتیجه دنیا و آخرت خود را حفظ کند
و اگر هم در فکر آخرت و عاقبت نیست لا اقل فکر دنیای خود باشد
که خود را علیل و فقیر و منقور و غلابی حتی عیالات و بسته کان خود نماید
* من آنچه شرط بلاغ است بآنها بگویم * نوخواه از سخنم پند گیر خواه ملال *

ای عربی من بطور قطع و یقین دانسته باش که شخص شرابخوَر بتدریج
مرک را بسوی خود نزدیک میکرد اند چون سمیت مواد الکلی کم کم بخون پس
بنام اعضاء درونی از مغز و احشاء و امعاء سرایت میکند و باعث
هلاکت میگردد چه بسیار از دکترهای ما هر عصر حاضر گفته اند مواد الکلی
دارای سم میباشد و از این مورد حقیر اقوال بعضی آنها را بعرض
خواننده کان محترم میرسانم تا کمال اعتقاد کنند بمضرات این ماده پلید
و باور کنند که بتدریج مشغول بهلاکت کردن نفس خود هستند (داشتند)
معظم آقای ابوالقاسم فیوضات **در کتاب** مضرات نوشابه های الکلی
مینویسد **دکتر** معروف فرانسوی میگوید و نوی در کتاب خود طبعی
چنین گوید (مسکرات شاربین خود را بسوی مرضی سوق میدهند که
موسوم میباشد بالکلیمسم (یعنی سمومیت ازخمر) اشخاص مسکرت
در بدو مسکنی خود لذت احساس میکنند که آن لذت فوراً بدر و سستی
مبدل میشود و همین لذت دردناکست که هر کس یک دفعه لب بر لب
ساغر رسانید دیگر نمیتواند از آن صرف نظر نماید و متدبجا معاد شده

افراط بنماید تا سمومیت فیزی عارض گشته در تمام اعضاء و خون او
سرایت میکند و در نتیجه موجب سوء هضم شده معده و کبد را از کار
باز میدارد و مجرای تنفس و بول را مریض میکند و اعصاب را مختل میکند
و در عاقبت منتهی بخرافت و جنون میشود و گاهی پیش از آنکه این آلام
دردناک روی نماید سبب مرک و هلاکت میشود اننی قوله **دکتر**
کالینه بواسطه فرانسوی در کتاب حفظ الصی خود که آنرا سید محمد سمر حوم
نصر الاطباء بفارسی ترجمه کرده چنین مینویسد (تمام مشروبات الکلی
دارای مایع سمی موسوم بالکل میباشد که بواسطه تجربه بعض نباتات
و میوه ها از قبیل جو و سیب زمینی و انگور و سیب و کلابه و چغندر
تولید میشود از استعمال موقفی آن مستی و از استمرار و عادت بر آن
امراض ردیه حاصل کردد) **دکتر** جاکوه بر تلون گوید (مسکرات)
بزرگترین اسباب ضعف جهازات بدن و علت عمده سستی ریوی است
علل و اسباب دیگر در مقابل تشخیص با مسکرات چندان اهمیت ندارد
تمام شد کلامش **دکتر** روینو فتنش گوید (مردم کمان میکنند که مرض
سست حیات فرانسه را تهدید میکند و حال آنکه خطر الکلی همانند بیشتر
و بزرگتر از آنست زیرا الکلی و کر را بروی راه زمان نند رسانی
باز میکند و در تمام بلاد سبب خطرات عمده میباشد و بنابراین بزرگ
کردن باین دشمن بزرگ بسیار سزاوار و لازم است) **دکتر**
پارکر طبیب مشهور نیویورک گفته (نصف از حوادث دیوانه که و

مقاومت بواسطه مسکرات است **همین** فیلسوفهای بزرگ در باب
امراضیکه از خوردن مسکرات عارض میشود **نسبت** با معاء چنین
نوشته اند (روده ها در نتیجه صرف مسکرات مریض شده سبب اسهال
سخت و دفع خون و ضعف زیاد میشود **و نسبت** بگید چنین مرقوم +
داشته اند (گید شخص آکل متورم گشته شکم را بزرگ میکند یرقان
و نرف الدم در وی نتیجه آنست) اتساع کبد و التهاب آن هر دو از تنگی
شوم آکل مباحث و نسبت با استعداد مزجه و مقدار شراب مختلف است
در این حالت مریض در دشدید در پهلوی راست احساس میکند
و این نوع امراض کبد غالباً با التهاب معدی ترکیب یافته سبب فیء
و عدم اشتها میشود بعد در اثر تغییرات با تالوژی در وریدی معده
احتقان حاصل شده (احتقان احتباس مواد است در بدن کافی بموادها)
بسر مریض خون فیء میکند و تمام احشاء و امعاء را دچار احتقان میکند
و سپس بواسطه تولید میشود و عاقبت دوار استسقاء شروع شده شکم
از مایع زرد رنگ پر میشود و محل اعضا در وی تغییر مباحث قلب
ببالا رفته محل ریتم تغییر میکند و طحال آویزان شده بزرگ میگردد
عمل الکحل در مغز اثر الکحل در مغز بسیار محسوس و غالباً سبب
نرف الدم و مایع یعنی باره شدن شریان و ریختن خون بدماغ میشود و چون
خون بر کزید مایع ریختن شخص سکنه کند و فوراً بمیرد) دیگر آنکه قول شخص
آلکی هرگز محل اعتماد و فعلش مورد اعتبار نباشد زیرا هرگز مایع او

مریض و اعضایش غیر قابل عمل است و از این جهت دیگر نمیتواند کارهای
دقیق و اعمالیکه قوه لازم دارد انجام دهد زیرا تمام اعضا مخصوصاً ستها
مرعش میشود **شاعی** چه قدر کلام متینی گفته + بت پرسی زمی پرسی به +
+ مردن عاقلان زمستی به + **در خاتم حقیقه و لف کوبید** چه قدر شبانه
و سزاوار است که ارکان دولت علیه و زعماء ملت جلیله اعانهم الله
لما یحب و یرضاه بهمت عالی خود قدم خبری برداشته برای خدمت
با بناء مملکت و حفظ جوانان از شرابین مایه فساد و نکبت پس دروغ
مسکرات و جلو گیری از این موجب هملکات اقدام و فوت نمایند
و از فائده حاصله از این محل که اقل است در مقابل ضررهای ندریجی
وارد در سال بسبب همین مورد در کلیه شهرستانها از مصارف
بیمارستانها و بیمارستانها و زندانها که ناشی از ثمره مسکرات است
اغراض و چشم پوشی کرده و این نام نیک و کار موافق با شرع اسلام را
که مورد صلاح و رشد عموم خلق خداست در صفحات تاریخ این عصر +
از خود بیاد کار باقی گذارند **نقل شده** از تفسیر المنار معروف بتفسیر
شیخ محمد عبده نزد آیه یسئلونک عن الخمر که یکی از اطباء آلمان کوبید (شما
نصف از میکده ها را ببندید تا من هم ضمانت کنم که کشور از نصف بیمار
و بیمارستانها و زندانها بیه نیاز گردد **و ایضا نقل شده** از جلد اول
طنطاوی که نقل کرده از فیلسوف بن تمام انگلیسی (که گفته آکل در
اقالیم شمالی انسان را مانند آبله و در اقالیم جنوبی چون دیوانگان میکند

در اقله میشود بجزارت الکفای نمود و له ورد قومی باید باشد تمام
جلوگیری کرد پس بعد از این کلام با آنکه میل ندارد از احکامیکه
در اسلام وارد شده تعریف و تحسین کنند گفته و از محاسن دین محمد ص
آنکه جمیع مسکرات را حرام کرده انشی کلامه **سپس** برباه و ائمه از فقها
منیع محترم و زارت فرماتک دام علاه نمائید شود چون امروزه زمام
جوانان کشور در کف یا کفایت او است در مرتبه اول برای خدا
و در ثانی برای حفظ جوانان و دانش جوایان از اینکه بواسطه
به اطلاعی از مقررات و عقوبات مسکرات خود را ملوث کنند باین
کثافت و ماده پلیدی که زائل کننده عقل و دانش بلکه تمام هستی
از مال و جاه میباشد و مقتضای کلام الهی عز شأنه که میفرماید
وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ آئَةٌ يَذْكُرُ الْغَيْبِ امری فرماید در هر آموزشگاهی
از شهرستانها تبلیغ این کتابچه کثیر الفایده جزء برنامه آموزگاران
قرار گیرد و لو ترجمه ای آن باشد مثل سایر وظایفیکه برای آنهاست
از تعلیم فنون و تدربس علوم تا بعد از واقف شدن آنها بمقررات
مسکرات و سختی عقوبات آن ذاتا منجر و طبعاً متغیر شوند و در نتیجه
جوانان کشور توانا و تندرست و خدا شناس بار آیند چون ترقی بین
موقوف بین درستی ساکنین آن میباشد البته این معنی بعلاوه
خوشنودی خدای تعالی موجب تقدیر و تشکر عموم ائمه ایران از
آن مقام منیع خواهد کرد بدین نظر که شاید اولاد آنها از این عمل نشت
نجات

نجات پیدا کنند و ایضا مؤلف عرض میکند ای اشخاصیکه در این کتاب
نظر میکنند این کتاب کرمه کوچک است لکن بسیار متقن و معتبر است
و مفید و چهار خبر معتبر از اهل بیت عصمت و طهارت با نفعین
نماید در آن موجود است و در آن فوائد و بیاناتی هست که موجب سترت
و مفرح ذات خواننده کان محترم است و تألیفش زیاده از یکسال
طول کشیده و عده جهت طول بعد از وقت در مطلب رجوع بکتاب
غیر مبوق به بوده از قبیل تحف العقول و خصال و امثال آنان چون
کتاب غیر مبوق باید برای تحصیل مطلوب از اول تا آخر دیده شود
بامید آنکه شاید از مقصود چیزی در آنجا پیدا کند شعر مؤلفه که در آنجا
گفته شده پایان کتاب شد کوفه برد از غم و زردی بیضانش سرور شود
تمام شد بید مؤلفه الفقیر السید طاهر الکاظمی فی الاصل و البروری
المولد و المکن در اول ماه رجب المرجب ۱۳۷۹ شمسی مطابق
دوم دی ماه سال ۱۳۳۸ شمسی والسلام علی من اتبع الهدی

طاهر

کتابخانه آیت الله بروجردی (ره)



5 5 9 1 7 9

کتابخانه آیت الله بروجردی (ره)



5 5 9 1 7 9